

هشیاری، آمادگی و مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب، مبرم‌ترین وظیفه دولت جدید است



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۶
چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۵۹، نكشماره ۱۵ زینال

حجت الاسلام خامنه‌ای:
**امروز، ما در مقابل
آمریکا با همه ابعاد و
همه تیر و ایستاده‌ایم**

حجت الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، دیروز در خطبه‌های نماز عید فطر، امپریالیسم آمریکا را شدیداً مورد حمله قرار داد و وظیفه مهم انقلاب ایران را مبارزه با این امپریالیسم شمرد. حجت الاسلام خامنه‌ای از جمله گفت:

... امروز روز برخورد قاطع ما با ابرقدرت آمریکاست. مسأله ما با آمریکا، بالاتر از نداشتن تفاهم و دوستی است. اگر سال گذشته دولت ما و مسئولان امر ما دچار رودربایستی هم با آمریکا بودند، امروز دیگر ملت ما هیچ‌گونه رودربایستی با ابرقدرت ظالم آمریکا ندارد. این یک تحول اساسی در مسائل ایران است و مسائل ایران به وسیله این موضع قاطع در مقابل ابرقدرت آمریکا بصورت مسائل حاد یک انقلاب ضد امپریالیستی درآمده و ما اگر روابطمان را با آمریکا به این صورت قاطع قطع نمی‌کردیم و سینه به سینه آن قدرت ظالم ستمگر نمی‌ایستادیم، یقیناً امروز انقلاب ما از مسیر خود منحرف شده بود. امروز ما در مقابل آمریکا با همه ابعاد و همه تیر و ایستاده‌ایم... ما امروز در صحنه بین‌المللی با وجود همه فشارهایی که آمریکا و دولت‌های هم‌پیمان و هم‌فکر و دست‌نشاندهای در اروپا و آفریقا و جاهای دیگر با همه فشارهایی که روی ما می‌آوردند، فاتح و پیروز ما هستیم نه آمریکا. ما توانستیم یک موج ضد امریکایی قوی در سراسر منطقه علیه آمریکا بوجود بیاوریم. تاکنون هیچ انقلابی نتوانسته بود در این منطقه یک چنین موج عظیم و قوی را بوجود بیاورد. و ما این راه را پیش خواهیم رفت و این خط را تا آخر ادامه خواهیم داد.

توطئه مشترک امپریالیسم آمریکا و انگلیس علیه انقلاب ایران

بلوچستان، پایگاه سیاسی - نظامی خود را در داخل ایران ایجاد کنند و هجوم به انقلاب ایران و سرکوب آنرا میسر سازند. اکنون خبر تایید این توطئه را می‌شنویم.

همکاری امپریالیسم فرتوت و مکار انگلیس با امریکای جهان‌خوار امروزی نیست. مردم ایران ماه‌های قبل از ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را از یاد نبرده‌اند که سازمانهای جاسوسی سیا و اینتلیجنت سرویس مشترک طرح کودتای شوم را ریختند و به اجرا درآوردند. روزی که دولت ملی مصدق سرنگون شد و کودتا پیروز گردید، ایدن، وزیر امور خارجه وقت انگلیس در خاطراتش نوشت که، سرانجام توانستیم شب را راحت بخوابیم! اکنون نیز که انقلاب ایران بار دیگر منافع این دو امپریالیسم متجاوز را در خطر قرار داده‌است، بقیه در صفحه ۲

روزنامه‌های ایران از قول خبرگزاری‌های خارجی از توطئه مشترک امپریالیسم آمریکا و انگلیس، علیه انقلاب ایران خبر داده‌اند. روزنامه "جمهوری اسلامی" گزارشی خبرگزاری تاس از واشنگتن را نقل می‌کند که براساس آن "ایالات متحده و انگلیس طرحی برای تقسیم ایران ریخته و درباره این طرح سرگرم مذاکره‌اند."

پس از شکست توطئه همدان (۱۸ تیر ۵۹) ما به تکرار هشدار دادیم که امپریالیسم آمریکا و متحدانش بر این تصمیم‌اند که بختی‌هایی از خاک ایران راجدا سازند و با استفاده از آن به عنوان پایگاه، به کل انقلاب ایران یورش برند و آنرا درهم شکنند. آنها در نظر دارند که با استفاده از پایگاه‌هایی که در کردستان برای خود فراهم آورده‌اند، با جدا ساختن خوزستان - منطقه طلای سیاه و برخی از مناطق جنوبی کشور از جمله

دفتر نامه «مردم» در گرمسار بار دیگر مورد هجوم و تخریب قرار گرفت

ما خواستار اجرای هر چه سریعتر اعلامیه دادستان کل کشور هستیم

دفترنامه "مردم" در گرمسار بار دیگر مورد هجوم قرار گرفت و تخریب شد. این حمله که توسط اوباشان و عوامل ضدانقلاب و به تحریک حامیان فئودالها و مالکان بزرگ انجام شد، چهارمین هجوم از نوع خود بود که در دوره اخیر به دفترنامه "مردم" در گرمسار، صورت گرفته است.

این هجوم که در پی اعلامیه دادستان کل کشور صورت گرفت، نشان داد که ضدانقلاب برای زیرپا نهادن قانون اساسی و موضع‌گیری صریح دادستان کل کشور، از هیچ‌گونه تلاشی فروگذار نمی‌کند و در صورت عدم مقابله قاطع مسئولین جمهوری اسلامی ایران با آن، به اعمال جورانه بیشتری نیز دست خواهد زد.

حمله به دفتر به هنگام راهپیمایی روز قدس صورت گرفت. اوباش و عناصر ضدانقلابی که خود را در صفوف راهپیمایان جاذبه بودند، یکبار تلاش کردند تا بهنگام عبور جمعیت از مقابل دفتر، آنها را برای حمله به دفتر تحریک بقیه در صفحه ۲

روزیگانه در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، معرفی نامه آقای بنی‌صدر، رئیس جمهور درباره نخست وزیر مطرح شد و روز دوشنبه نمایندگان به نخست وزیر آقای محمدعلی رجایی رای تمایل دادند. در این جلسه ۱۹۶ نفر نماینده حاضر بودند، که از آن میان ۱۵۳ نفر رای موافق، ۲۴ نفر رای مخالف و ۱۹ نفر رای ممتنع دادند.

بدین ترتیب، همانطور که در شماره یکشنبه نوشته بودیم، آقای محمدعلی رجایی بسمت نخستین نخست وزیر دولت رسمی و غیرموقت جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

اینک بدینال تعیین و استقرار نهادهای مختلف کشوری، طبق قانون اساسی، ایران دارای نخست وزیر نباشد و اکنون تنها وظیفه‌ای که از این نظر باقی مانده‌است، تعیین وزیران و تشکیل هیئت دولت و تدوین برنامه دولت است، تا پس از معرفی و گرفتن رای اعتماد و تصویب برنامه دولت، مرحله تازه‌ای از روند انقلاب و سازندگی کشور آغاز گردد.

در این باره چه باید گفت؟

نخست اینکه آقای رجایی باید وظیفه تعیین وزیران را هر چه زودتر انجام دهد. کشور و لحظات بسیار حساسی که انقلاب از سر میگذراند، متأسفانه بی‌امون کارهای مقدماتی درباره تعیین بقیه در صفحه ۲

حمله به گروه‌ها در خط امام نیست

امام کرده، قانون اساسی را زیر پا انداخته و دست به عملی زده است که نهایتاً "ضدانقلاب از آن سود خواهد برد؟ چگونه است که دوهفته پس از انتشار اعلامیه دادستان کل کشور، حمله به دفاتر حزب ما هنوز ادامه دارد و در روز قدس کسانی به مراکز و کتابفروشی‌های حزب توده، ایسران در بندر انزلی و خوی، هجوم برده و آنها را درهم کوبیده‌اند؟ چگونه است که هنوز خانه مرکزی حزب ما

بستند در خانه ما را و چه باطل حق است که در را به حقیقت بگشاید

آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور در مصاحبه تلویزیونی خود، در پاسخ خبرنگار تلویزیون در مورد هجوم عده‌ای به مراکز احزاب و سازمانها، تصریح کرد که: حمله به گروه‌ها در خط امام نیست.

سه هفته پیش، خانه حزب تسوده ایران آماج هجوم عناصر ناشناخته‌ای قرار گرفت، که متأسفانه هنوز هم هویت سیاسی شان روشن نیست. اما آنچه روشن است، آنست که، این عناصر تحریک شده، اقدامات تجاوزی خود را به حرم احزاب و سازمان‌های سیاسی، زیر نقاب دفاع از خط امام انجام می‌دهند.

خط امام چیست؟ خط مبارزه قاطع علیه امپریالیسم، علیه سرمایه‌داران بزرگ و وابسته، بسود طبقات و قشرهای محروم جامعه، خط حرکت مردم بسوی وحدت کلمه و اتحاد در برابر دشمنان مشترک خارجی و داخلی است. بنا بر این تمام سازمان‌ها و احزاب سیاسی، که مبارزه آنان در راستای مبارزه علیه امپریالیسم، بسود تضعیف مواضع سرمایه‌داری و تحکیم و گسترش اقدامات انقلابی در جهت منافع زحمتکشان است، حق زیست قانونی و مشروع در جمهوری اسلامی ایران دارند و هیچ نیروی مجاز نیست آنها را مورد یورش و حمله قرار دهد و دایره فعالیت آنها را تنگ سازد، علاوه بر آنکه، قانون اساسی جمهوری اسلامی همزیستی آزادانه عقاید و مواضع گوناگون را در کنار هم تضمین کرده است.

اکنون این سؤال مطرح میشود: در حالیکه دادستان کل کشور، که از عالیت‌ترین شخصیت‌های قضایی است، عمل حمله به سازمان‌ها و گروه‌ها را محکوم می‌کند، آنها معایر یا خط امام می‌دانند، مخالف قانون اساسی می‌شمارد و بسود ضداً انقلاب تومیسف می‌کند، چگونه است کسانی که مدعی پیروی از خط امام‌اند، پشت‌پنه خط

هاشمی رفسنجانی:

ما مطمئن هستیم که شیطان بزرگ به این زودی هادست از سر ملت ما بر نمی‌دارد. ما آماده مقابله هستیم

در ساعت ۴ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۰ مرداد ۵۹ در محل مجلس شورای اسلامی، مصاحبه مطبوعاتی با حضور آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس برگزار شد. در این مصاحبه مطبوعاتی خبرنگار "نامه مردم" نیز حضور داشت.

در آغاز آقای رفسنجانی در پاسخ به پرسش مربوط به توطئه‌های کودتایی امریکایی گفت: "کودتاگران مجازات می‌شوند. الان هم می‌بینیم که مجازات شده‌اند."

وی متذکر گردید: ما مطمئن هستیم که شیطان بزرگ به این زودی دست از سر ملت ما بر نمی‌دارد. ما آماده مقابله هستیم."

رئیس مجلس در پاسخ به این پرسش که آیا رابطهای با آمریکا مطرح است یا نه، گفت: "هیچ گونه رابطهای با آمریکا مطرح نیست. ما می‌بینیم که پیغام‌هایی و نامه‌هایی از اعضای کنگره آمریکا می‌رسد. همین امروز هم یک نامه‌ای از ۲ نفر از اعضای کنگره رسیده است که: کنگره در ارتباط با دانشجویان ایرانی در آمریکا به وظایف خود عمل کرده‌است" و آنها خواست‌های بقیه در صفحه ۲

تظاهرات اعتراض آمیز مردم در برابر سفارت انگلستان



برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

بقیه از صفحه ۱

توطئه مشترک امپریالیسم...

مشترک و در همکاری با هم، قصد براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را کرده‌اند.

امپریالیسم آمریکا که نیرومندترین رژیم دست‌نشانده خود در منطقه، یعنی رژیم شاه سابق را از دست داده و بعدنیال آن تمام منافع اقتصادی، سیاسی، نظامی و استراتژیکی‌اش در این ناحیه بخطر افتاده، یک آن از توطئه علیه انقلاب ایران غافل نیست. مسدود ساختن پولهای ایران در بانکهای آمریکا مؤثرترین اقدام، کشورها را محاصره اقتصادی کرد. محاصره اقتصادی کاری از پیش نبرد، طرح توطئه طبعی را ریخت. توطئه طبعی مفتضاحانه ناکام ماند، توطئه همدان راپیاده کرد، توطئه همدان در منطقه خفه شد، اینک درصدد جداساختن مناطقی از ایران است.

امپریالیسم درنده آمریکا که میلیاردها دلار ثروت کشورها را غارت کرده و نقشه‌های طولانی برای غارت گنجهای دست‌نخورده زیرزمینی‌ها داشته‌است، امپریالیسم آمریکا که ایران را به پایگاه نظامی و جاسوسی خود علیه اتحاد شوروی و رژیمهای مترقی منطقه بدل کرده‌بود، امپریالیسم آمریکا که در همه شئون کشورها رخنه تهاهی آور داشت، روشن است که نمی‌تواند به‌این آسانی دل از اینهمه مزایا و مواهب برگردد و به‌خانه خود بازگردد.

امپریالیسم آمریکا که موجودیتش مرهون غارت و تجاوز وستم برخلفهای مستضعف جهان است، قادر به ترک عادت نیست، و نمی‌تواند یکی از سرشارترین منابع غارت و تجاوز وستم خود را سهولت از دست بدهد. از اینجاست که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن، امپریالیسم آمریکا به تقویت مواضع نظامی خود در اقیانوس هند و خلیج فارس دست زد، تجهیزات کامل نظامی، ارتش ۱۱۰ هزار نفری واکتس سریع و تفنگدار دریایی به منطقه فرستاد، تا از "منافع ملی" آمریکا در این سرجهان دفاع کنند. و اکنون با استفاده از همین پایگاهها و تجهیزات نظامی است که قصد تجاوز به خاک ایران، مجزاساختن بخشهای غربی و جنوبی کشور، بعنوان سرپل و پایگاه هجوم همه‌جانبه به انقلاب را کرده‌است.

امپریالیسم دغلاکار انگلیس نیز برای آنکه از غارت امپریالیستی کشورها بی‌نصیب نماند، مواضعی در منطقه تضعیف نشود، درینجهان با یارمیشگی خود امپریالیسم آمریکا، بر سر میز توطئه براندازی نشسته‌است و خواب سرگونی نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌بیند.

امپریالیسم انگلیس برای تقویت رژیمهای ارتجاعی منطقه، از جمله دست به تملیح رژیم دست‌نشانده قابوس، نوجه "آریامهر" زده و اخیرا بیش از ۳۰۰ میلیون دلار سلاح سنگین نظامی به این رژیم متزلزل یوثالی فروخته‌است.

در چنین شرایط حساسی، باید چشم بیدار و منز آگاه و هشیار داشت. باید از هر جهت مواظب بود که امپریالیسم به اجرای نقشه‌های پلید خود علیه استقلال و حاکمیت کشورها موفق نیابد.

استقلال و حاکمیت کشور خون هفتاد هزار شهید را وثیقه دارد و باید با جنگ و دندان از آن دفاع کرد.

مقامات مسئول مملکت وظیفه‌دارند که در عین هشیار کامل، توان انقلابی، نظامی، سیاسی و اقتصادی کشور را در مقابل با توطئه‌های امپریالیستی افزایش دهند. تمام مسائل دیگر مملکتی در برابر مسئله استقلال کشور فرعی است و نباید فکرماداران را چنان بخود مشغول دارد، که از توجه به این مسئله اساسی غافل بمانند.

مردم آماده‌اند، دولت و مسئولان مملکتی نیز باید آماده باشند، تا با استفاده از این انقلابی مردم، راه بر توطئه‌های امپریالیسم ببندند.

دولت منتخب نخستین مجلس شورای اسلامی وظیفه‌دارد که، برنامه فوری و قاطع خود را در جهت درهم‌کوبیدن مواضع امپریالیستی و درهم شکستن شبکه جاسوسان و کارگزاران آن تدوین کند، تا این دشمنان سرسخت انقلاب ایران امکان توطئه نیابند.

طرح توطئه کارتر - برژینسکی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چگونه پیاده میشود

امیاد توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران پیوسته گسترش می‌یابد. روزی نیست که ما از مجاری مختلف خبر تازه‌های درباره اقدامات و توطئه‌های نظامی، بوسیله آمریکا و متحدانش بر ضد انقلاب ایران دریافت نکنیم. می‌بینیم که امپریالیسم آمریکا برنامه دراز مدت استراتژیک خود را برای اختناق انقلاب، که در نامه محرمانه برژینسکی مشاور امنیت کارتر به وزیر امور خارجه سابق آمریکا شرح داده شده است، با پیگیری دنبال می‌کند. به این نامه که در آن رئیس سیاست آمریکا در مقابل با انقلاب ایران با وقاحت خاصی امپریالیستها ذکر گردیده است، بار دیگر نظری بیفکنیم. برژینسکی به وزیر امور خارجه سابق آمریکا می‌نویسد:

"به موجب این یادداشت شما مجاز هستید اقداماتی را که در حیطه مسئولیت وزارت امور خارجه است، به عمل آورید. در مورد اقداماتی که برای نفوذ کردن در سیر تحولات ایران شخصی شده‌اند، رئیس جمهور معتقد است که اقدامات مورد نظر می‌بایستی با هماهنگی وزارت دفاع و سیا و هم چنین سایر ادارات و موسسات، هر جا که لازم باشد با توجه به نظراتی که شاه ایران در مشورت‌های اخیرش داده است، صورت پذیرد. رئیس‌جمهور همچنین خاطر نشان ساخته است که لازم است جو سرنظن و عدم اعتماد را، که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مورد بهره‌برداری قرار داد.

رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصا توسط اتحاد شوروی، حتما به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد. رئیس‌جمهور همچنین تاکید کرد که، با توجه به قابل پیش‌بینی نبودن حوادث و تحولات آینده در ایران، الزاما مهم است که آمریکا با تمامی رهبران سازمانها و گرایشهای سیاسی بدون استثنا، منجمله اقلیت‌های نژادی و یا مذهبی و گروههای افراطی، که قادرند مقاومت‌های مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند، تماس‌هایی برقرار کرد. اما به‌هر حال با در نظر گرفتن طبیعت بسیار ظریف این نوع عملیات، رئیس‌جمهور با برقراری هرگونه تماس با رهبران مذهبی و یا سیاسی و یا باند خمینی و یا اعضاء مخالفین و فرماندهان عالی‌رتبه در ایران، بدون مشورت قبلی با رئیس یا سیا مخالف است.

خطوط اصلی این برنامه را از نظر بگذرانیم: نخست، اقدامات و توطئه‌های ضدانقلابی ایران باید به صورت هماهنگ بین وزارت امور خارجه، وزارت دفاع، سازمان‌های جاسوسی آمریکا و سایر

موسسات و ادارات... و همچنین سران ضدانقلاب ایران، زیر نظر رئیس‌جمهور آمریکا و مشاور امنیت‌اش تنظیم و اجرا گردد.

عمق توطئه‌ای که علیه ایران باید طرح‌ریزی و اجرا شود، از همین ترکیب پیداست. اگر ایالات متحده آمریکا با یک کشور دیگر در حال جنگ هم بود، جز این ترکیبی برای رهبری عملیات جنگی بر نمی‌گزید، و این نشان می‌دهد که حکومت آمریکا برای بازگرداندن ایران به دایره نفوذ خود، چه اهمیت عظیمی قایل است. و معنای گفته کارتر به ژسکارستن، که "ما از ایران و آلمان به هیچ وجه صرف نظر نخواهیم کرد" چیست؟

سیاستی که امپریالیسم آمریکا برای بازگرداندن ایران به دایره نفوذ اقتصادی، سیاسی و نظامی خود می‌خواهد اتخاذ کند، از نامه برژینسکی به روشنی استنباط می‌شود:

از نظر خارجی، امپریالیسم آمریکا باید بین ایران و همسایگانش، بخصوص اتحاد شوروی "جو سرنظن و عدم اعتماد" ایجاد کند و از این جو برای منفرد ساختن ایران در منطقه و "تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی" بهره‌برداری کند.

از نظر داخلی، آمریکا باید "با تمامی رهبران سازمانها و گرایشهای سیاسی بدون استثنا" تماس برقرار کند. در میان این سازمانها، تکیه برژینسکی بر سازمانها و گروههای افراطی است که "قادرند مقاومت‌های مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند".

تمام این اقدامات بر ضد انقلاب ایران در صحنه بین‌المللی و در داخل کشور باید به دلیل "طبیعت بسیار ظریف" این توطئه‌ها "با مشورت قبلی با رئیس سیا" انجام گیرد.

ما شاهد آنیم که امپریالیسم آمریکا برای پیاده کردن هر یک از مواد این برنامه با پیگیری کوشش می‌کند.

باید گفت که امریکایی‌ها در اجرای این برنامه ضد ایرانی خود از پشتیبانی تمام کشورهای امپریالیستی غرب و ژاپن برخوردارند. ایالات متحده آمریکا توانسته است با همکاری امپریالیسم کار کشته انگلستان و خیانت جلاخان یعنی "سوفن و عدم اعتماد" بین دو کشور برادر ایران و عراق را به جنگی اعلان نشده تبدیل کند، به امید آنکه بتواند نیروی انقلاب ایران را در یکجنگ فرسایشی تحلیل ببرد و بر آن، به هنگام رسیدن لحظه مساعد، ضربه وارد کند.

به "جو سرنظن و عدم اعتماد" بین ایران و

بقیه از صفحه ۱

هشیاری، آمادگی و مقابله...

شخص نخست‌وزیر، روزها و هفته‌های بسیار گرانبهائی را از دست داد. مردم که با شور و اشتیاق مرتبا در شش رای گیری سراسر کشوری شرکت جستند، تا هرچه زودتر جمهوری اسلامی ایران را به نهادهای ضروری مسلح کنند و کار بسیاری حیاتی نو سازی کشور را آغاز نمایند، در ماههای اخیر متاسفانه با انواع تاخیرها و تعویق‌ها روبرو شدند. در نتیجه نبرد قدرت و رقابت‌های گروهی و شخصی، که کار را بجایهای باریک کشاند و محیط را متشنج ساخت و بدبینی و یاس آفرید، آنچه که می‌بایست طی چند روز عملی شود، به چند ماه کشید، که همین تعیین نخست‌وزیر و حتی بحث پیرامون قبول یا عدم قبول معرفی‌نامه رئیس‌جمهوری، نمونه آنست. به‌این وقت از دست رفته به‌هیچ عنوان نباید افزود. تعیین وزیر و تدوین برنامه دولت به‌هیچوجه نباید مستمسک طولانی شدن این دوران بینابینی شود.

صرفنظر از آنکه گروه همفکری که آقای نخست‌وزیر قبل از رای تأییل مجلس - برای تصدی وزارتخانه‌ها بدان اشاره کرده بود، مسئولیت‌ها را تقسیم کنند، یا مسئله به شکل دیگری حل شود، در هر حال مهم آنست که اینجا دیگر نباید کار را به درازا کشاند.

مردم منتظر گار هستند و تدوین برنامه کار و انجام واقعی گار. جامعه انقلابی ما، ۱۸ ماه بعد از پیروزی، دیگر نمی‌تواند متحمل تداوم دوران بینابینی و بی‌تکلیفی باشد، که در آن هرکسی همه کاره باشد و هیچ کس مسئولیتی نداشته باشد. انقلاب ما در روبروئی سرنوشت ساز خود با دشمن می‌طلبد که هرچه زودتر کار تعیین وزراء و تدوین برنامه دولت نیز پایان پذیرد و دشمن از فرصت بلا تکلیفی و موفق بودن اوضاع برای ضربه زدن و

بقیه از صفحه ۱

حمله به گرو و هها در...

در تصرف اشغالگران است و مقامات مسئول و از جمله دادستانی کل کشور برای بیرون راندن این گروه بی‌هویت کام مشخصی بر نداشته‌اند؟

این بی‌هویت‌ها اناشیه خانه مازا به غارت برده، با استفاده از تاریکی شب، کتابخانه حزب ما را خالی کرده و کتابها را به نقطه نامعلومی انتقال داده‌اند، آرشیر حزب ما را ضبط کرده‌اند، درهای اتاق‌ها را شکسته، دیوارها را تخریب کرده‌اند و متاسفانه هیچ مقام مسئولی از آنها نپرسیده است که: شما که هستیستند؟ در اینجا چه می‌کنید؟ از که دستور گرفته‌اید؟ زیر بهرق چه کسیمی سینه می‌زنید؟ پس از گذشت سه هفته، هنوز هیچ مرجع مسئولی، هویت این عملیه قلع و قمع و تخریب را برای مردم افشا نکرده و به آنان توضیح نداده است که این موج ویرانگر از کجا برخاسته است؟

متاسفانه گروه‌های تخریب در سراسر کشور، مقامات مسئول جمهوری را در برابر اقدامات انجام شده‌ای قرار می‌دهند، که به‌هیچرو قابل دفاع نیست و از نظام جمهوری اسلامی نظامی، سرکوبگر تصویر می‌کنند، که فقط بسود ضدانقلاب است.

در روزهای آغازین، که ایسمن گروهک‌ها به کتابفروشی‌ها حمله بردند و کتاب‌سوزان براه انداختند، امام خمینی در ملائت آنان گفت:

کتاب‌ها را یاره نکنید و نسوزانید، بلکه اگر نمی‌خواهید آنها را بنسوزانید و امروز نه تنها کتاب و کاغذ، که یاره و سوزانیده می‌شود، بلکه اسباب و اثاثیه متعلق به یک سازمان سیاسی را هم غارت می‌کنند، به خانه‌هاشان منتقل می‌کنند و در بازار بفروش می‌رسانند.

در شرایط وجود نهادهای قانونی انقلاب، همچون ریاست جمهوری، دولت و مجلس شورای اسلامی، هیچ فرد و گروهی حق ندارد خود را در امور این کشور ارگانهای قانونی فرض کند و مستقل از آنها عمل نماید.

ما از نهادهای قانونی مملکت، بویژه دادستانی کل کشور، انتظار داریم که هرچه زودتر اشغالگران را از خانه ما برانند و آنها را بما بازگردانند. ما از نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌خواهیم که به دفاع از قانون اساسی برخیزند و طبق آن عمل کنند. ما از تمام مسئولین مملکت، که خود را در خط امام می‌دانند، توقع داریم که از این خط خطی و مردمسوی و ضد ستمگری و سلطه جویی و سلطه پذیری مادقانه پاسداری کنند و اجازه ندهند که کسانی بنام دفاع از خط امام، آنها را از محتوی عمیقاً انسانی و خلقی خود تهی سازند. اجازه ندهند که کسانی خود را مدافع و پیرو خط امام بدانند، که با اعمال و رفتار خود در برابر آن قرار گرفته‌اند. خط امام، خط تفرقه و تخریب و ویرانگری نیست. خط یگانگی و سازندگی انقلابی است.

دست‌بردار نیست. این ماهستیم که باید بهوش باشیم و با توطئه‌ها مقابله کنیم. این وظیفه دولت و شخص نخست‌وزیر است که حداکثر بار بسیار مسئولیت هشیاری و آمادگی و مقابله را بردوش دارد و باید در همکاری با سایر نهادها و مقامها و شخصیت‌های صاحب مسئولیت کشوری و لشگری، انقلابی واداری، مجریه و تقنینیه و قضائیه، صرفنظر از سلیقه‌های شخصی و وابستگی‌های گروهی، این بار را بر سر منزل مقصود، یعنی نجات و پیش‌برد انقلاب و استحکام جمهوری اسلامی ایران برساند.

سومین نکته مهم درباره انتخاب آقای نخست‌وزیر، خود مسائل و وظایف بسیاری را شامل میشود که در روزهای اخیر، "نامه مردم" پیرامون لزوم تعمیق انقلاب و رفع مشکلات و وظایف دولت جدید و انتظارات مردم از آن، را یادآوری کرده و لذا دیگر تکرار نمی‌کنیم. توجه به این نکات، به باور ما، راهگشای موفقیت دولت در جهت نیازهای انقلاب و خواستهای مردم خواهد بود.

دشواریها بر سر راه بی‌تردید کم نخواهد بود. ولی سخن بر سر عالی‌ترین مصالح انقلاب و کشور و آیندگان و حیاتی‌ترین منافع توده مردم زحمتکش و سرنوشت آنهاست. بدین خاطر باید هم‌میل‌روها را متحد ساخت و تجهیز کرد، هم‌کوشی را به کار برد تا بردشواریها غلبه و راه انقلاب پیموده شود.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

نگاه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران

دائره‌المیزان و مدیرمسئول: منوچهر پیرزادی

خیابان لاله زار شماره ۶۸

محل دفتر نامه مردم

فصلنامه انتشارات عناصر غیر مسئول است

تدارک پایه گذاری حزب پشاهنگ مارکسیستی-لنینیستی در اتیوپی

"آستین ها را بالا بزنیم و به کار بپردازیم"

منگستوها یله ما ریام، رئیس کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی و مدیر شورای حکومت نظامی موقت آن کشور، چندی پیش سخنرانی خود را در اجلاس کمیسیون نامبرده در آدیس آبا با باجمعه بالا پایان داد.

سیاری از ۱۵۰۰ شرکت کننده اجلاس "کمیسیون"، نخست وظیفه یافته اند که در زمینه راه های سیاسی، که بدین منظور تشکیل خواهد شد، آموزش ببینند. یکی از نخستین هدفهای این "کمیسیون"، ترویج اندیشه های علمی مارکسیسم-لنینیسم در میان زحمتکشان اتیوپی است. برای وقوف بدشواری این وظیفه، باید یادآور شد که، پس از روند موفقیت آمیز مبارزه با بیسوادی در شهرها، مبارزه برای سوادآموزی روستاها نیز تازه آغاز گشته است.

منگستوها یله ما ریام، در نخستین جلسه کمیته مرکزی "کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی"، با اظهار داشت: "برای پیشبرد هدفهایمان، جز فراتر از آموزش دقیق مارکسیسم-لنینیسم، چاره ای دیگر نیست. ما اینک مرحله انقلاب ملی-دمکراتیک را میگذرانیم و کوشش فراوان میورزیم، تا پایه های سوسیالیسم را بنیان نهیم. وی یادآور شد که لازمست قوانین کامل اجتماعی را فراتر از موقت و آنها را به شرایط مشخص اتیوپی تطبیق داد و افزود:

"کافی نیست که شرایط را اینچنینیم، باید دانش خود را بکار ببندیم، به دیگرگون سازی بپردازیم و دستهای بی بهره ای را عاقلانه از تکامل راه دور خود قرار دهیم. تمام فعالیتهای ما باید بر پایه کوشش در راه پیشروی از جامعه ای فئودالی-سرمایه داری و عقب افتاده، بسوی جامعه سوسیالیستی استوار باشد."

منگستوها یله ما ریام، ضمن اشاره به پیروزیهایی که از احراز قدرت در سال ۱۹۷۳ تاکنون نصیب خلق اتیوپی شده است، سیاستگذاری عمیق مردم آن کشور را از کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی ابراز داشت. او گفت: "شش سال، زمان کوتاهی است. اما دگرگونیهای بنیادی که در این مدت کوتاه در اتیوپی بوقوع پیوسته است، بدون تردید در تاریخ کشور ما بی همتاست."

کنگره، با تصمیماتی چند، کوشید، شرایطی فراهم آورد تا "کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی" بتواند به وظایف خود، بعنوان یک ارگان رهبری سیاسی-انقلابی، عمل کند. این مصوبات قرار است در نشریه جدید "سرتوآدر" (زحمتکش)، ارگان کمیته مرکزی، انتشار یابد. "سرتوآدر" نخست هر دو هفته یکبار و بعد با بصورت روزنامه منتشر خواهد شد.

"کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی" مسئولیت یافته است که در راه ترویج هر چه بیشتر ادبیات مارکسیستی-لنینیستی بکوشد و با ارضای خواست های آموزشی فزاینده مردم، به ساختن سوسیالیسم در اتیوپی کمک کند. اکنون "کمیسیون" میکوشد تا فعالیت خود را در سراسر کشور گسترش بخشد. در هفته های گذشته اتحادیه های کارگری و دهقانی با وظایف آن آشنا می یافتند. مردم در اجتماعات خودپیشیانی خویش را از اهدافی "کمیسیون" اعلام داشته اند. منگستوها یله ما ریام، در نخستین کنگره "کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی"، گفت: "شورای حکومت نظامی موقت مدتهاست به این اعتقاد دست یافته است که تنها یک حزب انقلابی زحمتکشان میتواند تسد رهبری انقلاب را بدست گیرد."

گروه های مارکسیستی-لنینیستی موجود تشویق شده اند که فعالانه به برگزاری مجالس بحث اقدام ورزند. اما در گذشته ضدانقلاب موفق گشت که برای مدتی در صفوف "اتحادیه سازماندهی مارکسیستی-لنینیستی اتیوپی" رخنه کند. از این رو بود که اعضای "اتحادیه" پیشنها دکردند، رهبری انقلاب به بنیادی واحد سپرده شود و در پی آن، در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۵۸، تشکیل "کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی" اعلام گشت. در شش ماه گذشته کمیته مرکزی، کمیته اجرایی و رهبریهای ایالتی پدید آمد و به تصویب کنگره رسید. فزون بر این، کنگره، ماده نهم منشور "کمیسیون" را در باره رابطه میان سازمانهای پایه ای و رهبری دقیق کرد و وظایف کمیته مرکزی و کمیته اجرایی را مشخص ساخت. تا تشکیل حزب مارکسیستی-لنینیستی، "کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی" وظایف چنین حزبی را ایفا خواهد کرد.

الخيار دههائی

حصار کشی و پلاک بندی زمینهای مزروعی توسط فئودالها

روستای قوطمان (قرطون) در ۷ کیلومتری غرب امههان واقع است. فئودالهای این روستا از ترس تقسیم زمینهای خود میان دهقانان بی زمین و کم زمین، اقدام به حصار کشی و پلاک بندی زمینها برای فروش کرده اند. دهقانان ستمدیده این روستا پراز وقوف به این نقشه معیلا نه فئودالها، شکایتی تنظیم و به سپاه پاسداران امههان و همچنین عیث ۷ نفر و آگاهاری زمین در آن استان تسلیم داشته اند.

اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی، سودمند بحال انقلاب و در جهت تمیق اهداف خلقی آن است. با رسیدگی به خواست دهقانان، دست مالکین حیلہ گرا کوتاه کنید.

۲۲ ژوئیه ۱۹۸۰

آخرین تلاش های امپریالیسم برای حفظ نظام بهره کشی انسان از انسان سرانجام عبت و بی نتیجه است

امپریالیست های امروز چاره کار را در کشتار دیدند و نقشه مخوف کشتن پرستانها را در سراسر فرانسه (کالونی نیست ها را) در جمعه ۲۲ اوت ۱۵۷۲ کشیدند. مادر شاه، شاه را با این نقشه موافق ساخت و دست به عمل زدند. از روز جمعه تا روز شنبه، کشتار فجیع به دست نظامیان، اوباش، مهاجران کاتولیک آلمانی (که از کشور خود گریخته بودند) ادامه یافت. به قول مورخان: آتش چندان سوخت و سوخت تا خود خاموش شد. در این فاجعه که "واقعه سن-بارتلمی" نام دارد، به قولی روی هم ۶۰ هزار نفر زن و مرد و کودک بی گناه و بی خبر از همجا در خاک و خون خود غلطیدند. ولی نتیجه چه شد؟ هنوز دیری از این حادثه نگذشت که هانری دوناوار شاه شد و او موافق "فرمان نانت" آزادی و برابری کامل دو فرقه مذهبی و سازمانهای سیاسی آنها را اعلام داشت، زیرا در غیر آن صورت، فرانسه به دو بخش سلطنتی و جمهوری تقسیم می شد و ساکنان جنوب (که طرفداران کالون بودند) حساب خود را جدا می ساختند.

دهها سال بعد، لوئی سیزدهم و ریشلیو فرمان "نانت" را لغو کردند و باز مدتی سلطنت کاتولیکی خانواده بوربن (البته با قبول مقدار زیادی تغییرات و اصلاحات) آقای کرد. ولی باز چه شد؟ این بار بمب عظیم انقلاب کبیر فرانسه با غرش رعد آسمانی منفجر شد و تخت و بخت سلطنت مستبدانه بوربنها را به آسمان فرستاد. آنچه که باید در تاریخ شود، یعنی زوال فئودالیسم سرانجام شد. به قول معروف: "دیر یا زود دارد، ولی سوخت و سوز ندارد."

اکنون چه چیز در دستور تاریخ است؟ نه فئودالیسم، که دیگر بساطش عملاً همجا به طور عمده برچیده شده، بلکه سرمایه داری است که در سراسر زوال است. حالا سکانداران کاخ سفید با کشیدن طنابها و فرود آوردن این شرع یا آن شرع و نشان دادن مهارت سکانداری خود، شاید بتوانند این کشتی رو به غرق را چند سالی نگاه دارند. مهارت سیاسی فتح را تسریع می کند و شکست را به عقب می اندازد، ولی قادر نیست از فتح و شکست محتوم جلوگیری کند.

بدهختی سیاستمداران سرمایه داری در آنست که آنها به وجود نوعی محتومیت تاریخی باور ندارند. به عقیده آنها در تاریخ هرج و مرج است و در آن همه کاری را می توان کرد و حفظ این بسته است به زور و "نبوغ دیپلمات های بزرگ". صریحاً در امریکا می گویند ما دچار ضعف رهبری (لیدرشپ) شده ایم!

این فلسفه احمقانه ایست. البته "نبوغ سیاستمداران بزرگ" تنها می تواند در تند یا کند کردن روندها موثر باشد، ولی خود این روندها را قوانین عینی و باطنی حرکت تاریخی، که نتیجه رشد و تحول دائمی ابزار و افکار است، هدایت می کند. بنا به یک مثل آلمانی، "تو می بینداری که تو می رانی، و حال آنکه ترا می رانند."

هیچ نقشه امپریالیستی، هر قدر هم مهیب و عجیب و ماهرانه باشد، قادر نخواهد بود سیر بی امان تاریخ زمان ما را، که به سوی فئودالیسم امپریالیستی و سيطرة سرمایه سالاری می رود، به عقب برگرداند. آخرین تلاشهای دوران احتضار امپریالیسم می تواند هنوز یک- دو دهه ای به طول انجامد، ولی ما اکنون در آغاز پایتیم.

امپریالیسم هنوز قادر است مانند حادثه طس ماجرا راه بیاندازد و یا خلق قوم گروهی بیگانه را بشرد و آنها را خفه کند و باز هم چند روزی گرو فری داشته باشد، ولی قادر نیست تاریخ و بشریت را نابود سازد. بشریت می ماند و امپریالیسم را نابود می کند. در این واقعیت (که واقعیت چندان دوری هم نیست) درهای تردید نکند! به قول فرانسوی ها:

"آنهاهی که زنده می ماند، خواهند دید."

این روزها کشورهای امپریالیستی جهان، و بر راس آنها امریکا، سخت خشمگین، نگران و هراس زده اند و به شیوه محکومین تاریخ، به همه وسایل متوسل می شوند، تا کشتی درحال غرق را نجات دهند و برای این کار از هیچ کاری روگردان نیستند. طبقات ممتاز میلیاردر و مولتی میلیاردر امریکای شمالی و اروپا قبول ندارند که سرنوشت امروزی و فردایی آنها واکنش طبیعی و تاریخی مردم در مقابل عمل خود آنهاست. آنها قبول ندارند که بهره کشی سرمایه داران بزرگ از کار صدها میلیون کارگر و برزگر و گردآوری دهها میلیارد دلار به عنوان "ثروت شخصی" از ثمره کار آفریننده مولدان محصولات مادی و نعمات معنوی، می توانست تا مدتی در تاریخ دوام آورد، تا آن حدت که این مولدان مستقیم محصولات مادی (کارگران و برزگران) و آن مولدان مستقیم نعمات معنوی (علماء، هنرمندان، مهندسان، مریبان)، تصور می کردند که در مقابل "کار" خود "مزد عادلانه" دریافت می دارند. ولی همینکه درک کنند که "ثروت اجتماعی" چیزی جز حاصل کار آفریننده آنها نیست و این حاصل را مشتکی انگل به نام بانکدار و کارخانه دار و بازرگان به سود زندگی ماورا اشرافی و سراپا آلوده خود، به جیب می زنند، آن وقت است که واکنش اجتماعی به صورت مختلف، تا حد انقلاب اجتماعی، آغاز می شود.

این آقایان، کلان بهره کشان و ابرزدان تاریخ قبول ندارند که "جهان سوم" (آسیا، آفریقا، امریکای لاتین) "گاو شیرده" آقایان نیست و اگر در قرنهای هجدهم و نوزدهم و بیستم، آقایان توانستند بیش از نیمی از بشریت را به بردگان خدمتگذار خود بدل کنند، به علت برتری موقت فنی و فرهنگی آنها بود، که مورد سوء استفاده سرمایه داری قرار گرفت و به اسارت صدها خلق منجر شد. حالا دیگر آن دوران گذشته و خفته بیدار و کودک بالغ و بی خبر آگاه شده است، و طبیعی است که به نبرد برای حق خود قیام می کند، چنانکه چه مردانه قیام کرده اند.

ولی خیزش آقایان باور ندارند که واکنش مردم جهان علیه آنها، نتیجه کشت خود آنهاست. و معتقدند که همه اینها نتیجه تحریکات "مسکو" است! غافل از اینکه آنچه در مسکو، در سال ۱۹۱۷ گذشته، یعنی قیام رنجبران در زیر پرچم سرخ لنین، خود بخشی است از این واکنش تاریخی علیه نظام بهره کشی، و بسیار عادی است که پیروزی یک خلق در این زمینه، خلق های دیگر را تشویق کند.

در شرایط کنونی زمین زیر پای امپریالیسم می لرزد. حفظ مواضع امپریالیسم در خاورمیانه عربی، در آفریقای جنوبی، در آسیای جنوب خاوری، در "شاخ آفریقا"، در امریکای لاتین و در همه نقاطی که امپریالیسم آن را برای خود "حیاتی" می شمرد (و معلوم نیست چرا!) بیش از پیش دشوار شده است.

امپریالیسم نتوانسته است گامیست مسست "تورم" را کند گیر کند و این گامیست دم به دم پروارتر، خشمناکتر، مهاجم تر و رموکتر می شود. قیمت ها با سرعت بالا می رود. بی کاری با سرعت در افزایش است. در پایتخت های "طلایی" لندن و واشنگتن، ایرانی، که زمانی خادم خفت کشی برای اربابان انگلوساکسون بود، با غرور تمام می ریزد! ببینید چه منظره شگفتی است!

چون تحلیل امپریالیسم و به ویژه گروه بی مغز کاخ سفید آنست که همه اینها "تحریک مسکو" است و به تحریک هم باید با ضد تحریک نظیر پاسخ داد، لذا از طرفی به تحریک و توطئه علیه کشورهای سوسیالیستی دست می زند و از طرف دیگر انواع نقشه های کشتار خلقها را امتحان می کند. این سفیهان گویا نه تاریخ را خوانده اند و نه اگر خوانده اند از آن چیزی فهمیده اند. آنها نمی دانند که ضرورت های تکامل جامعه بشری راه خود را به هر قیمتی هست به پیش می کشد. و گاه حتی خود سرکوب کنندگان نهضت مردم را به مجربان و صابای خود بدل می کند.

در اینجا یک یادآوری از تاریخ جهان سودمند است. در اواسط قرن شانزدهم، کالونی نیست های جمهوری خواه در فرانسه اشرافی و فئودالی دیگر بسیار نیرومند شده بودند: صنعت، پیشه وری، بانکها در دست آنها بود. در اشرافیت درجه اول نفوذ داشتند و کسانی مانند هانری دوناوار (هانری چهارم بعد) و دریا سالار کولینبی (از نزدیکان شاه) بر راس سازمان های آنها قرار گرفته بودند و کم کم خود شاه را نیز به سمت خود می کشیدند. پاپ رم، فیلیپ دوم (شاه مستبد و کاتولیک اسپانیا) و خانواده ترنمنت مدیسی در فلورانس (که ملکه فرانسه، یعنی کاترین دو مدیسی مادر شاه از آنها بود) و اشرافیت شمال فرانسه (خانواده گیز) سخت به هجان آمدند و مانند

۲۲ ژوئیه ۱۹۸۰

کشتارگاه خرم آباد لرستان، عامل انتقال بیماری‌های واگیردار

این کشتارگاه از کمترین امکانات فنی و بهداشتی بی بهره است



کشتارگاه خرم آباد لرستان، یکی از غیربهداشتی‌ترین کشتارگاه‌های ایران است. این کشتارگاه در خیابان علی، منطقه چال میرحسین واقع شده است. با چند نفر از کارکنان کشتارگاه گفت و گوی کوتاهی داریم:

اسم شما چیست؟
کرم
درباره وضع بهداشتی کشتارگاه کمی توضیح بدهید.
«اصلاً» تعریفی ندارد. گمان نمی‌کنم هیچ کشتارگاهی در دنیا به کثیفی این کشتارگاه باشد. همین است که می‌بینید، هیچ تازه‌واردی نمی‌تواند پیش از پنج دقیقه در محل این کشتارگاه تاب بیاورد.
وارد کشتارگاه می‌شویم. بوی تعفن سرکبیچه و راست. اینجا و آنجا پوست گوسفند و گاو و استخوان برهم انباشته شده است. مگس‌ها چون پارچه‌سایه‌های بزمین پهن شده‌اند. سطح محوطه کشتارگاه را با مقداری کاه پوشانده‌اند. جا بجا چاله‌هایی دیده می‌شود، که مملو از خون و کثافت است. در این کشتارگاه دو راهروی تاریک وجود دارد. در یک راهرو کشتار می‌شود، و در راهروی بعدی لاشه‌ها و پزیران می‌شوند.
در این کشتارگاه، کشتار به شکل خیلی ابتدایی انجام می‌شود. ساختمان آن مربوط به پنجاه و پنج سال پیش است. یکسایه از کارگران کشتارگاه می‌گوید: «همواره خطر ریزش این ساختمان وجود دارد»

آیا می‌پرسیم: آیا تاکنون از شهرداری خواسته‌اید تا به وضع بهداشتی شما و کشتارگاه رسیدگی کند؟

می‌گوید: «چه در زمان طاغوت و چه بعد از انقلاب به مقامات مراجعه کرده‌ایم. همیشه امروز و فردا می‌کنند. شهردار چند بار از اینجا دیدن کرده، اما هیچ اقدامی نکرده است. حتی همسایه‌های دوروبر کشتارگاه نیز چند بار شکایت کرده‌اند.»

یکی از ساکنان نزدیک کشتارگاه خرم آباد می‌گوید: «این کشتارگاه بجه‌های ما را مریض کرده. تا بستن آنها وضع خیلی بدتر است. انواع و اقسام بیماری‌ها، از قبیل وبا در اینجا شیوع پیدا می‌کند.»

می‌گوید: «تاکنون چند بار به شهردار شکایت کرده‌ایم، برای ما تره هم خورد نمی‌کنند. ما با این گاو و گوسفندها هیچ فرقی نداریم. سرانها را که می‌برند، یکبار در راحت می‌شوند، ولی ما دچار مرگ تدریجی هستیم. ما را آدم حساب نمی‌کنند. انگار که در این انقلاب نقش نداشته‌ایم.»

می‌پرسیم: «در تنها کشتارگاه خرم آباد، به استثنای پنجشنبه‌ها، هفته‌ای شش روز کشتار می‌شود. گوشت تولیدی این کشتارگاه غیر بهداشتی، و وسائل کشتار ابتدایی و غیرفنی است. مردم خرم آباد لرستان از دولت انتظار دارند که به وضع کشتارگاه شهرشان فورا رسیدگی کند.»

صنعت آئینه‌سازی در کشور ما امروز به وضع بسیار افتناکی دچار شده است. اغلب کسانی که در این رشته فعالیت می‌کنند، اینک یا در شرف ورشکستگی هستند و یا به کارهای دیگری پرداخته‌اند.

تولید آئینه در حال حاضر در کارگاه‌های کوچک در گوشه و کنار شهرهای بزرگ ادامه دارد. وسایل تولیدی که این کارگاهها به کار می‌گیرند تا حدود زیادی ابتدایی است. محیط کار هم کاملاً غیربهداشتی و فاقد امکانات حفاظتی و امنیتی است.

کارگران که در این کارگاهها مشغول کار هستند، بیشتر از ۵ یا ۶ نفر نیستند و ساعت کار آنان میزان محدود مشخصی ندارد و گاه متجاوز از ۱۱ تا ۱۲ ساعت است. این کارگاهها مشمول قانون کار و بیمه‌های اجتماعی نشده‌اند. در شهر تبریز ۳ کارگاه آئینه‌سازی وجود دارد. به دو کارگاه عمده این جویا می‌شویم. کارگاه لوکسبایدر زیرزمین خانه صاحب کارگاه در زمینی به مساحت ۳۰ متر مربع بنا شده است. کارگاه فاقد هرگونه امکانات بهداشتی است و از نظر روشنائی نیز کاملاً غیر استاندارد است. با استادکار کارگاه به صحبت می‌نشینیم:

«۱۶ سال در تهران کار کرده‌ام. سال برای خودم کار کردم و بعداً این کارگاه را دایر کردم، در این کارگاه غیر از خودم، دو کارگر دیگر کار می‌کنند. برای آئینه‌سازی، ما از شیشه‌های خارجی استفاده می‌کردیم. بعد از انقلاب از ورود شیشه خارجی جلوگیری بعمل آمد و چون کیفیت ساخت شیشه‌های ایرانی پایین است، یعنی شیشه‌های

ایرانی موج‌دار هستند، ما نمی‌توانیم از این شیشه‌ها استفاده کنیم. بناچار از تولید آئینه بازمانده‌ایم و کار ما فقط محدود به بریدن آئینه‌های آماده و نصب تزئینات روی آنها شده است. و گذشته از اینها، کمبود مواد اولیه تولید آئینه، از جمله نیرت‌دارزان، که پیش از انقلاب کیلویی ۷۰۰ تومان بود و بعد از انقلاب کیلویی ۴۵۰۰ تومان (آنهم اگر پیدا شود) و همچنین سود، سنگ‌المان، منه شیشه... عملاً کار ما را متوقف کرده است.»

وی در مقابل این سؤال که، چه انتظاری از دولت انقلاب دارید، جواب داد:

«ما از دولت می‌خواهیم که وام یا سرمایه‌های در اختیار ما بگذارد و بر کار واردکنندگان مواد اولیه آئینه‌سازی نظارت داشته باشد، و جلوی احتکار و گرافتروشی سرمایه‌داران را بگیرد و دست واسطه‌ها و دلالان را کوتاه کند و کارخانه‌های شیشه‌سازی را تحت نظارت بگیرد، تا ما بتوانیم در این رشته به کار تولیدی ادامه دهیم. دولت باید یک فکر اساسی برای ما بکند. ما قبلاً شیشه‌های رنگی ایرانی را، که از کیفیت خوبی هم برخوردار بودند، روقی ۷۰ تومان می‌خریدیم، ولی امروز از این نوع شیشه‌ها دیگر تولید نمی‌شود و ما ناچار این نوع شیشه‌ها را، اگر پیدا کنیم، روقی ۲۳۰ تومان می‌خریم. و یا مثلاً برای تهیه آب مقطر که از مواد اولیه برای جیوه‌زنی است، ناچاریم با استفاده از وسایل ابتدایی، با دیگ آب و سوخت گاز آب مقطر تهیه کنیم و برای ۲۰ لیتر آب مقطر یک کیسول گاز مصرف کنیم آن هم با آن همه دردسر.»

با یکی از کارگران صحبت می‌کنیم: «من اینجا با برادرم کار می‌کنم. روزی ۸ ساعت کار می‌کنم و ۵۵ تومان مزد می‌گیرم. بیه هم نیستیم با مادر پیرم و زنم در کوی مجاهدین زندگی می‌کنیم. خانهای که در آن زندگی می‌کنیم، آب و برق و امکانات رفاهی ندارد. دولت باید یک فکری بحال ما بکند.»
کارگر متوجه کار کارگاه گفت:

آئینه‌سازان تبریز: دست‌واسطه‌ها و سرمایه‌داران را کوتاه کنید!

مسائل کارگری



۲۵ سال است که از ده به تبریز آمده‌ام و بی‌سودم. ده مامدرسه نداشت تا من بتوانم درس یاد بگیرم. از دولت می‌خواهیم ما را از یاد نبرد.»

در جواب این سؤال که، انقلاب ایران را چگونه می‌بینید، آقای قسینی گفت:

«اگر اسلام واقعی، اسلام امام خمینی پیاده شود و به مستضعفین رسیدگی شود، ما بسیار راضی خواهیم بود.»

پرسیدیم اگر آمریکا حمله نظامی بکند، شما چکار خواهید کرد؟

«ما همه تفنگ بست می‌گیریم و تا آخرین قطره خون در مقابل آنان خواهیم ایستاد.»

به کارگاه آئینه‌سازی زمانی، که بزرگترین کارگاه آئینه‌سازی تبریز است سری می‌زنیم.

کارگاه در خیابان تربیت در زیر زمین یک ساختمان قدیمی واقع شده است. این کارگاه نیز از لحاظ امکانات بهداشتی و حفاظتی در وضع بسیار وخعی قرار دارد. تعداد کارگران این کارگاه از ۳ تا ۴ نفر در نوسان است.

از مسئول کارگاه، غلامرضا زمانی در مورد وضع عمومی و مشکلات کارگاه سؤال می‌کنم. غلامرضا از کمبود گرانی مواد اولیه می‌گوید:

«شیشه از مهمترین مواد اولیه است. بدلیل اینکه جنس شیشه‌های ایرانی نامرغوب و موج‌دار هستند، ما نمی‌توانیم از آنها استفاده کنیم، بناچار از شیشه‌های خارجی (ژاپن) استفاده می‌کنیم. تا قبل از انقلاب ما از واسطه و سرمایه‌دار معروف «یاسینی» بصورت اعتباری جنس می‌خریدیم. پس از انقلاب

ما اکنون مجبوریم خود مواد



اولیه را تهیه کنیم و چون وسایل تولید ما ابتدایی است و کارگاه فاقد امکانات لازم است، امکان وقوع سانحه افزایش یافته است.»

غلامرضا در همین رابطه گوشه دیگری از جنایات رژیم شاه را برملا میکند:

«در دوران طاغوت وزارت کارو بیمه‌های اجتماعی از بیمه کردن کارگران بعلت خطرات بی‌دری و مداوم این رشته، سرباز زد و حالاهم هیچک از کارگران این رشته بیمه نبوده و مشمول قانون کار نیستند.»

با کارگران کارگاه به صحبت می‌نشینیم. محرم ۲۱ ساله تا پنجم ابتدایی درس خوانده است. پنج سال سابقه کار دارد و به عبارت دیگر تا حدودی تخصص دارد. اومی‌گوید:

«روزی ۵۰ تومان مزد می‌گیرم. عصرها به ده می‌روم و صبح‌ها برمی‌گردم. پانزده تومان پول رفت و برگشت است. پول غذا و خوراک هم به عهده خودم است. بنابراین پولی که می‌گیرم صرف خوراک و خرج رفت و برگشت می‌شود و حالا بعد از ۵ سال کار هیچگونه پس‌اندازی ندارم. ما از دولت می‌خواهیم که وامی در اختیار کارگران تخصص دیده این رشته بگذارد تا آنان بتوانند خود مستقل کار کنند.» علی نصیریور

۲۱ ساله چنین گفت: «به علت نداشتن امکانات مالی نتوانستم بیشتر از کلاس پنجم ابتدایی به‌درسم ادامه دهم. قبلاً قالی‌باف بودم چون چشمهای ضعیف شده بود و دیگر گفته بود اگر به این کار ادامه دهم چشمهایم کور می‌شوند، ناچار شدم از قالی‌بافی دست بکشم. ۵۰ ماهه است که اینجا کار می‌کنم. روزی ۴۰ تومان مزد می‌گیرم. حالا بعد از انقلاب از دولت انتظار داریم یک کار درست و حسابی در اختیارمان بگذارد تا آینده‌ای داشته باشیم. ما اگر دچار بیماری یا سانحه‌ای بشویم، چون بیمه هم نیستیم، تمام مخارج آن به عهده خودمان است.»

کارگر دیگر کارگاه می‌گوید: «۳ ماه است اینجا کار می‌کنم. قبلاً جوش کار بودم. وقتی دچار سانحه شدم، کارفرما اخراجم کرد. دانش‌آموز کلاس اول راهنمایی هستم و شش ماه درس می‌خوانم و روزها کار می‌کنم. روزی ۲۵ تومان مزد می‌گیرم. هفته‌ای ۱۰۰ تومان به پدرم می‌دهم و بقیه را برای خرج خودم برمی‌دارم. خانواده ما هشت نفرند. پدرم بیکار است و برادره قالی‌بافی می‌کند. درآمد همه ما بهیچ وجه برای خرج زندگی کافی نیست. ما از دولت انتظار داریم که به‌وضع ما رسیدگی کند و کار تضمین شده‌ای در اختیارمان بگذارد تا از این بدبختی راحت شویم.»

صحبت به انقلاب و مشکلات ناشی از انقلاب رسید. علی در مورد زمان انقلاب چنین گفت:

«سرمایه‌داران و گرافتروشان و محترمان خدا انقلاب هستند و با گرافتروشی و احتکار می‌خواهند ناراضی بوجود آورند. امریکادشمن اصلی مادر کشورمان کارخانه می‌گذاشت، ولی تعمی برای ما نداشت. فقط برای امریکا نفع داشت و حالاهم نمی‌خواهد ما چیزی داشته باشیم.»

غلامرضا، مسئول کارگاه، اضافه می‌کند:

«برای رهایی از این وضع خراب دولت باید کارخانه‌ها را در اختیار بگیرد و بازرگانی خارجی را ملی کند و واردات و صادرات را در اختیار خود بگیرد.»

در مورد مسئله تهاجسم نظامی امریکا، همگی جواب دادند:

«ما که در این انقلاب شرکت داشته‌ایم، نمی‌گذاریم امریکا دوباره برگردد و با تمام نیرویمان در مقابل امریکا خواهیم ایستاد.»

در مورد مسئله تهاجسم نظامی امریکا، همگی جواب دادند:

«ما که در این انقلاب شرکت داشته‌ایم، نمی‌گذاریم امریکا دوباره برگردد و با تمام نیرویمان در مقابل امریکا خواهیم ایستاد.»

تندیس های درد

طرح توطئه کار تر...

بقیه از صفحه ۲

افغانستان نیز بوسیله عوامل امپریالیسم با تمام وسایل دامن زده می شود. امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که در افغانستان مبارزه بر سر "اسلام" انجام نمی گیرد، بلکه "اسلام" برده استتاری برای گروه های ضدانقلابی است، که بدست امپریالیست های امریکایی و انگلیسی، عربستان سعودی، چین، پاکستان و مصر مسلح نگاه داشته می شوند، تا در جوار ایران یک کانون تشنج دایمی به وجود آورند و از آن برای ایجاد "جو سو فتن" و عدم اعتماد بین ایران و افغانستان بهره برداری کنند.

اگر امپریالیست ها تاکنون موفق نشده اند بین ایران و اتحاد شوروی "جو سو فتن" و عدم اعتماد را به سطح دلخواه خود ارتقا دهند، دلیل بر آن نیست که عواملشان تمام تلاش خود را بکار نبستند. طی یکسال و نیمی که از انقلاب می گذرد، عده های آگاهانه و عده های ناآگاهانه در این راه کوشیده اند. اما سیاست اصولی و انقلابی اتحاد شوروی جایی برای بهره برداری امپریالیسم از این "جو سو فتن" و عدم اعتماد باقی نگذاشته است.

امپریالیست های امریکایی از تلاش برای تماس با سازمانها و گروه های "افراطی"، که "قادرند مقاومت های مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند" نیز لحظه ای فروگذار نکرده اند. خوشبختانه این تلاش نتایج دلخواه را برای امپریالیسم امریکا بیار نیاورد و امروز ما جز گروه خود فروخته "گومه" دار و دسته مزدور قاسم و گروهکهای چند نفری مائوئیستی، سازمان و گروهی را در خط مقاومت مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران نمی بینیم.

باید گفت که طرح کار تر-برزیسکی در رویا-رویی با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در دو نکته اساسی آن، یعنی در "ایجاد جو سو فتن و عدم اعتماد" بین ایران و اتحاد شوروی و برانگیختن نیروهای داخلی افراطی بر ضد انقلاب ایران چندان توفیقی نیافته است.

حزب ما افتخار می کند که در عقیم گذاردن این قسمت از برنامه کار تر-برزیسکی نقش انقلابی و میهن پرستانه خود را ایفا کرده و در توضیح مسایل سیاسی بین المللی و تجزیه و تحلیل وظایف انقلاب، با تمام توان خود کوشیده است.

متأسفانه کسانی بوده اند و هستند که در راه ما، و در واقع در راه انقلاب ایران، چه از طریق نهمت و افترا و چه به وسیله چماق، به سود امپریالیسم آمریکا موانع بسیاری ایجاد کرده اند. تردیدی نداریم که سرخ بسیاری از آنان به مجریان برنامه کار تر-برزیسکی وصل می شود. اینان هستند که حزب ما را بزرگترین دشمن خود محسوب می دارند. ناکامی نسبی امپریالیست های امریکایی در اجرای برنامه کار تر-برزیسکی به هیچ وجه آنان را از برافکندن نظام جمهوری اسلامی منصرف نکرده است. برخی از عناصر این برنامه را پس و پیش کرده اند، اما اصل آن برجاست. تمام قرائن گواهی می دهد که امپریالیست های امریکایی با از دست دادن برخی از متحدان لیبرال و عوامل سر-سپرده خودشان در ارتش و سایر نهادهای دولتی شکل های مبارزه دیگری را، علاوه بر آنچه برزیسکی در نامه خود ذکر کرده است، برگزیده اند. شیوه های آنان در برخورد با انقلاب ایران خشن تر و سیاه تر شده است. توطئه اخیر در ارتش، که رهبری آن در خارج به دست کمیته ویژه "سیا" بود و در صورت موفقیت به بهای صدها هزار کشته و زخمی تمام می شد، نشانه ای از این شیوه برخورد با انقلاب ایران است.

هر قدر پایگاه اجتماعی امپریالیسم در ایران - سرمایه داری وابسته و زمین داری بزرگ - ضعیف تر می شود، امپریالیست های امریکایی به شیوه های خشن تری برای برانداختن نظام جمهوری اسلامی متوسل می شوند و اعمال خود در منطقه را نیز به اتخاذ سیاست خصمانه تر نسبت به ایران تحریک می کنند. اشکالی را که امپریالیست های امریکایی برای رویارویی با انقلاب ایران انتخاب خواهند کرد، نمی توان از پیش تعیین کرد. آنچه مسلم است، امپریالیسم آمریکا تمام شیوه ها را، از محاصره اقتصادی گرفته تا مداخله مسلحانه برای بازگرداندن ایران به دایره نفوذ خود بکار خواهد بست.

خلق ایران آزمایش های سختی در پیش دارد و باید با شهامت و متانت انقلابی با آن روبرو شود. تنها با اتحاد تمام نیروهای انقلابی است که می توان از این آزمایش تاریخ سر بلند بیرون آمد. نقایقن کار امپریالیسم امریکارا تسهیل میکنند.

آمریکای جنگیم و نگذاریم خوانش و دست نشاندگان آمریکا و شاه خائن بر کشور ما حاکم شوند.



عشا یرقشای پس از حرکت، در حال استراحت هستند.



این چادر، مدرسه کودکان عشا یراست.



آنها هر جا را مناسب برای زندگی ببینند، همانجا اطاق می کنند. نه در ما نگاه می، نه بهداشتی، برای آنها هیچ چیز نیست.

می بینید دیشب ساعت ۱ نیمه شب حرکت کرده ایم. الان ساعت چند است؟

می گوئیم ساعت ۲ بعد از ظهر، می گوید: "تا الان بدون صبحانه در راه بوده ایم، ما سواد نداریم. اگر کارمان به شهر افتاد، محلمان نمی گذارند. اهمیت به ما نمی دهند. مثل اینکه توی ادارات همان طاقوتیه ها نشسته اند. باید عتقا صروا بسته به امپریالیسم را از کار برکنار کنیم. گرانی در شهر بیداد می کند. آمریکا میخواهد اینطور شود."

می گوئیم: آیا میدانی که آمریکا به ایران تاجا و زنگامی کزد، توطئه کرد و با هم خیالهای در سردا رد؟

می گوید: "باید همه با هم متحد باشیم و جلوتجا وزات آمریکا را بگیریم. ما عشا یر سهم خود حاضریم تا آخرین نفسمان با"

قبول کردیم. الحمد لله باران هم خوب بود. ولی ما دیم می کاریم. روی زمینهای پراستگلاخ، محصول که زیاد دبعمان نمی آید. اگر از ما کسی مریض شد، یا با ید میبرد، یا تا چند روز بدکتر نمی رسد، تا زه اگر پهل داشته باشیم به شهر ببریم."

می گوید: "خوانین نمی توانند زمینها را پس بگیرند. دولت باید قاطعانه از ما حمایت کند، نگذارند دوباره نوکران آمریکا بر کرده ما سوار شوند."

به یکی از طاقوتیه ها، که در حال کوچ است بر می خوریم. اهالی می گویند: "ما از طاقوتیه کشکولی، تیره گشتاسب هستیم. در همین نزدیکی چادر خواهیم زد."

به آنها در زندن چادر کمک می کنیم. یکی از آنها صحبت می کنیم. اسمش مصطفی است. می گوید: "ما از همه مردم دنیا بدبخت تریم،"

هزاران خانوادۀ عشا یرقشایی، زمستان و اوایل بهار را در منطقه کازرون می گذرانند و بعد از آن به سمت کمبوج آب و علف مجبور به ترک منطقه کوچ به سرحد می شوند. عسده، زیاده ای از آنها به علت نداشتن گوسفند و زمین در شهرهای اطراف به کارگری می پردازند. ازدوگنبدان و برازجان تا نزدیکی های شیراز، که شامل مناطق کازرون و ممسنی است، خط سیر عشا یرقشایی است. این عده از هموطنان زحمتکش ما در تمام طول سال در نبردی سهمگین با طبیعت و مشکلات ناشی از زندگی عشیره ای قرار دارند. سیل و طوفان، برف و باران، گرما و سرما، چهره های از زحمت و دردت آنها ساخته است، که انسان را به بیاد زندگی انسانهای اولیه می اندازد.

زندگی در چادر و دروینا کوهها و دره ها، نداشتن بهداشت و درمان و مدرسه و غیره از یک طرف، و روابط ظالمانه خانها و رئیس قبیله از طرف دیگر، تصویر زندگی بی رمق و خالی از عدالت آنها را می سازند. درسا لهای طاغوت، خوانین، که از حمایت قانونی رژیم شاه سابق برخوردار بودند، در پناه شلاق و شکنجه آنها را به بیگاری وامیداشتند. دسترنج زن و بچه ها پیشان بصورت هدایا و وظایف بندگی به خان داده می شد. گندمهای خان، که حامل رنج عشا یر بود، و گوسفندان خان، که نتیجه مراقبت و زحمت عشا یر بود، در شهر بفروش می رسید و این درآمدهای خان صرف عیاشی و خوشگذرانی خود او و صاحب منصبان دولتی می شد. عشا یر موظف بودند که با زحمت شبانه روزی خود، با بیگاری خود و زن و بچه ها پیشان، راحتی زن و بچه های خان را فراهم کنند.

بین چنار شا هیان و تنگ بل (ابلیجات) محلی است بنام ملانبار، که چهل خان سوار هستند. با معلم آنها صحبت می کنیم. او از طایفه دره شوروی است. می گوید:

من بخاطر خدمت به برادران و خواهران عشا یرم حاضر شده ام با این وضع دردناک سازمان و در چادر در آنجا درس بدهم و حیاط مدرسه دشت و بیابان باشد. اینجا آبخواریم، البته با کمک اهالی چاهی زده ایم. مثل

اینکه در آبه آب میرسد. مدرسه نداریم. همه نظور که می بینید، در چادر هستیم. اگر باران شد، با ید مدرسه را تعطیل کنیم. ما فکر می کردیم اگر کوچ نکنیم، دیگر مشکلی نداریم. دیدیم نه، همه آن مشکلات دوباره وجود دارند.

اینجا بهداشت نداریم، دامپزشک نداریم رسیدگی نمی شود. با چند تا بز که نمی شود زندگی کرد. هر سال تعدادی از آنها می میرند. اینجا ۴۰ خان توار زندگی می کنند. لا قلمنا ید یک مدرسه دوسه تاقه باشد؟ نباید دولت اینهمه زمینهای وسیع را به زیر کشت در آورد، تا ما تولید کنیم؟ قطع وابستگی ما از امپریالیسم آمریکا همه دردها را درست می کند. اگر ما بتوانیم تولید کنیم، قادر خواهیم بود دنیا زهای غذایی مردم را و خودمان را تامین کنیم. دولت باید بدبخت در زحمتکشان عشا یر رسیدگی کند."

یکی دیگر از عشا یر می گوید: "خان ما را بدبخت کرد. ستم های بر ما روا داشت، که قابل گفتن نیست. موقع برداشت محصول می آمد و می گفت: میرزا علی سهمیه را زود به ما شریده. در جویا نا انقلاب متوجه شدیم که خوانین نوکر آمریکا هستند، نوکر شاه خان هستند. بر علیه انقلاب تبلیغ می کردند و می گفتند اطلاقا ت ارضی نمی شود و همه دارایی شما را آخوندها خواهند گرفت. همین حرفها را عراق تا مردم می زند."

می گوئیم: امسال محصول چطور بود؟ جواب می دهد: "ما م راست می گوئید که همه بدبختیهای ما از آمریکا است. آمریکا برای ما کثا و ورزی نگذاشت. جوانان ما همه به شهرها رفتند کارگری. حالا ما از ما خواسته که تولید کنیم، کثا و ورزی کنیم. ما هم با جان و دل

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در بریتانیا به مناسبت توقیف ۷۲ نفر از دانشجویان ایرانی مقیم لندن

بدنبال ضرب و شتم و شکنجه و زندانی کردن عده‌ای از دانشجویان ایرانی توسط پلیس فاشستی آمریکا، اینک تعداد ۷۲ نفر از دانشجویان مبارزی که در جلوی سفارت آمریکا در لندن برای رهائی برادران و خواهران مبارز خود در آمریکا دست به تظاهرات مسالمت آمیز زده بودند، توسط پلیس انگلیس دستگیر و زندانی شده‌اند. درست به مثابه تظاهرات مقابل کاخ سفید در آمریکا، طبق برنامه‌ای از قبل، چیده شده، در لندن نیز پلیس توسط پروکاتورها برای ایرانی وابسته به ساواک منحل و طرفداران رژیم سابق موفق شد، که عده‌ای از هموطنان مبارز ما را به بهانه «راه‌بندی» و «مقابله با پلیس» دستگیر و آنها را بدادگاه معرفی نماید.

و درست به مثابه تظاهرات مقابل کاخ سفید پلیس، کسی از طرفداران رژیم سابق راه که به کمک خود افراد پلیس اقدام به تبعیضات غیر انسانی علیه هموطنان انقلابی ما مینمودند دستگیر نکرد.

از این حرکت و عمل پلیس چه در آمریکا و چه در انگلستان فقط یک نتیجه گیری میتوان نمود، و آن اینکه - مسئله آزار و اذیت، تهدید به اخراج، دستگیری و شکنجه دانشجویان پشتیبان انقلاب جزئی از برنامه تهیه شده است که هدف آن انهدام انقلاب ایران است.

و حال که ماسک‌های ریا یکی پس از دیگری از چهره زشت دشمن دریده می‌شوند، ما ضمن اعلام پشتیبانی کامل خود از هموطنان انقلابی در آمریکا و انگلستان، باز دیگر هشدار می‌دهیم که دشمن اصلی انقلاب بزرگ ایران امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است و هر فرد و یا گروهی به هر بهانه یا عنوانی بخواهد این عمل غیر انسانی امپریالیسم را در کتالی انحرافی سوق دهد، عملاً بدشمن اصلی انقلاب بزرگ ایران کمک نموده است.

زنده باد انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران به رهبری امام خمینی

دروغ به دانشجویان مبارز ایرانی!

در جهان موسیالیسم

در سال ۱۳۵۷، در جمهوری دمکراتیک آلمان از هر صد نفر فارغ التحصیل دانشگاه ۳۴ نفر، زن بودند. این رقم برای مدارس تخصصی ۵۵ و برای کارگران متخصص ۴۷ بود. در این کشور شماره زحمتکشانی که به آموزش مشغول بودند، از ۱۳۳۱۰۰۰ در سال ۱۳۵۱ به ۱۵۳۹۰۰۰ در سال ۱۳۵۷ رسید.

جدول زیر، افزایش سطح آموزش زحمتکشان آلمان دمکراتیک را در سال‌های گذشته نشان میدهد:

سال	دانشگاه	مدرسه تخصصی
۱۳۴۰	۲۱/۸	۳۹/۰
۱۳۴۹	۲۹/۲	۶۸/۲
۱۳۵۲	۵۵/۲	۸۶/۰
۱۳۵۷	۶۳/۲	۱۱۵/۲

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، در خطبه‌های نماز جمعه، به مناسبت روز قدس با اشاره به دولت انگلیس متذکر شد:

"نه اینکه این دولت را نمی‌شناختیم، بلکه ادعای ریاکارانه دولت‌های اروپا همه ظاهر و واضح شد و توطئه‌های آنها برملا گردید."

تعمیق جنبه ضد امپریالیستی انقلاب شکوهمند مردم ایران نه فقط به افتخار هر چه بیشتر خدمت‌گزاران و عمال ایرانی امپریالیسم آمریکا کمک کرده است، بلکه در عین حال بیش از پیش پرده از روی سیما ی کوبه دولت‌های دیگر امپریالیستی نیز بر داشته است.

در آغاز پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام خمینی، بودند سیاست‌مداران و اندیشمندان که گمان می‌کردند به اصطلاح حساب امپریالیسم آمریکا از حساب دولت‌های امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن جدا است. بعضی از آنها حتی به این باور بودند که در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا گویا می‌توان از دولت‌های اروپای غربی و ژاپن نیز استفاده کرد. اما واقعیت سرسخت زندگی روزانه و مبارزه بی‌گیر و قاطع توده‌های مردم مستضعف به زودی واهی بودن این گمان را به ثبوت رساند. دیده شد که امپریالیسم، در هر لباسی که بوده باشد، چه لباس ملی (امریکایی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، ژاپنی) چه لباس منطقه‌ای (امریکا، اروپای غربی، آسیا) و چه سیاسی، در هر حال امپریالیسم است

دروغ پراکنی رسانه‌های گروهی امپریالیستی برای انحراف افکار عمومی از خطر اصلی و واقعی توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

ورهنمودهای مدیران اما خمینی، رهبر انقلاب ایران، برای رویارویی با خطر توطئه‌های دشمن شماره یک انقلاب ایران امپریالیسم جهان بخوار آمریکا، به هم پیوسته ترومخت‌تر می‌گردند و تمام نیروها و امکانات انقلاب و جمهوری اسلامی ایران علیه این شیطان بزرگ بسیج و آمادگی می‌گردد.

از زمانیکه در روابط امپریالیسم و جمهوری اسلامی ایران بیعت توطئه‌ها و فشارهای سیاسی و اقتصادی و تهدیدهای امپریالیسم آمریکا بمذاخیر نظامی علیه ایران بحرانی پدید آمده و در نتیجه مبارزه برضدا امپریالیسم آمریکا شدت یافته و موجب وحدت و یکپارچگی نیروهای مؤمن به انقلاب در این مبارزه و شناخت اولویت این مبارزه در تمام زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی گردیده است از جانب منابع غربی-امپریالیستی بمنظور تضعیف و ایجاد سو-تفاهم و بدگمانی میان جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی به انتشار این گونه اخبار دروغ و مفسودگوییانسه پرداخته می‌شود.

در آستانه تجدید و تنظیم، نا فرجام آمریکا در عملیات پس، همین خبر گزار-بهای امپریالیستی از مرکز چند لشکر زرهی اتحاد شوروی در مرز افغانستان و ایران و آموزش‌های نظامی و مانورهای واحدهای ارتش شوروی در خاک آذربایجان شوروی، در نواحی مجاور مرز ایران اخباری منتشر شدند و پیشگویی "کردند که هدف از تمرکز این نیروها و مانورهای نظامی، "حمله به خاک ایران و تصرف منابع نفت در نواحی جنوب و سواحل خلیج فارس است."

منه سفاهت در آن موقع مقامات رسمی ایران و بویژه مسئولان وزارت امور خارجه بدون تحقیق درباره این خبر ساختگی، به ادامه تبلیغات تحریک آمیز اکتادند و واکنشی شتابزده از خود نشان دادند!

اکنون نیز امپریالیسم آمریکا توطئه جدید بزرگی را علیه انقلاب هدف براندازی جمهوری اسلامی ایران تدارک می‌بیند و در اجرای طرح این توطئه همه متفقین غربی و رژیم‌های دست نشانده آن در منطقه هر یک نقش خود را در آن اجرا می‌کنند، "قاپینشال تا ییم" و دیگر تبلیغات گویای امپریالیستی نیز با انتشار اینگونه اخبار ساختگی و تحریک آمیز به وظیفه خود برای انحراف افکار عمومی از این توطئه عمل می‌کنند. همه اینها نشان می‌دهد که تا چه اندازه در برابر توطئه‌های دشمن اصلی و واقعی امپریالیسم آمریکا با بسط هوشتی ر بود و شکردهای تبلیغاتی آنرا شناخت و افشا کرد.

خبرگزاری اتحاد شوروی (تاس)، خسر روزنامه "قاپینشال تا ییم"، ارگان بورژوازی انحصاری بریتانیا درباره "احتمال حمله شوروی به ایران" را خسر ساختگی نامید و آنرا تکذیب کرد.

در اطلاعیه تاس آمده است که این خبر بدستور مراکز جنگ روانی ایالات متحده آمریکا و بریتانیا پخش شده است و هدف آن اخلال در مناسبات میان ایران و اتحاد شوروی و منحرف کردن افکار عمومی جهان از خطر واقعی است که آن کشور را تهدید می‌کند.

این نخستین بار نیست که "قاپینشال تا ییم" و دیگر مطبوعات و خبرگزاری‌های کشورهای امپریالیستی به پخش و انتشار اخبار و گزارش‌های ساختگی تحریک آمیز و مفسودگوییانسه می‌پردازند، که هدف آنها ایجاد بدگمانی و عدم اعتماد در روابط اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی ایران و انحراف توجه افکار عمومی از خطر واقعی، یعنی توطئه‌های پی در پی امپریالیسم آمریکا و متفقین آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

انتشار اینگونه اخبار تحریک آمیز از جانب منابع خبری کشورهای امپریالیستی بخشی از اجرای رهنمودها و توطئه‌های کاخ سفید و اداره جاسوسی آمریکا "تاس" است، که در نامه معروف برزیلینکی منگس است و هدف آن تلاش برای تضعیف و قطع پشتیبانی اتحاد شوروی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است تا تحقق توطئه‌های سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سهل تر شود.

انتشار اینگونه اخبار ساختگی و تحریک آمیز، بخشی از طرح‌های توطئه جدید امپریالیسم آمریکا و نقشه‌های تدارک و تنظیم آن علیه ایران را تشکیل می‌دهد، تا بدینوسیله از وحدت و بسیج نیروهای انقلاب در برابر این توطئه و در جهت مقابله با خطر واقعی چنین توطئه‌ای، که از جانب امپریالیسم آمریکا و متفقین آن تدارک دیده می‌شود، جلوگیری بعمل آید و در عین حال به روحیات ضد شوروی در ایران دامنه زده شود و زینراهه واقعیت پشتیبانی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه در عرصه بین‌المللی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مورد شک و تردید قرار داده شود.

بلندگوییان محافل امپریالیستی درست در لحظاتی به اختراع و پخش چنین اخبار دروغی می‌پردازند، که در نتیجه تجدید و تنظیم نا فرجام آمریکا و کشف توطئه بزرگ کودتای آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، صفوف مبارزه نیروها و گروهها و سازمانهای انقلابی ایران، با الهام گرفتن از سخنان قاطع

امپریالیسم اروپای غربی و ژاپن متحد و همکار امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

با مشخصات عمده مشترک، بار دیگر در عمل نسبت به ایران و انقلاب آن دیده شد که سیاست امپریالیستی سیاستی است غارت‌گرانه، ظالمانه و تجاوزکارانه، که وظیفه اساسی اش تحمیل سلطه سرمایه‌داری انحصاری کشورهای امپریالیستی (متروپول) بر دیگر کشورها و خلق‌ها است.

هنگامی که امپریالیسم آمریکا برای احیای تسلط خانمان براندازش بر ایران، محاصره اقتصادی آن را اعلام کرد، دول امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن نیز هر یک به فراخور احوال، خویش در محاصره اقتصادی ایران شرکت جستند.

زمانی که امپریالیسم آمریکا دست به تدارک توطئه و تجاوز نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران زد و ناوگان‌های خود را یکی پس از دیگری روانه آب‌های خلیج فارس و سواحل ایران کرد، دولت‌های آلمان غربی و انگلستان هم آن قدر که می‌توانستند، در این تهدید و تجاوز شرکت جستند، و دولت فرانسه با پلیس خود مقرر بختیار جنایتکار را در پاریس زیر پوشش گرفت، تا وی بتواند آسوده‌تر به تدارک اجرای دستورات سیا (رهنمود افشا شده کارتر-برزیلینکی) علیه ایران و انقلاب شکوهمند آن بپردازد و سعی کند تا همه

عناصر ضد انقلاب، از سیاست‌با فنان ورشکسته گرفته تا پیمانده‌های فراری ساواک و ارتش آریامهری را به اصطلاح در "جنبه" مقاومت ملی " دور هم جمع کند.

بدین ترتیب هم‌دستی همه دولت‌های امپریالیستی، از جمله دولت‌های امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن علیه مردم ایران و انقلاب شکوهمند آنان روز به روز آشکارتر و واضح‌تر شد.

انقلاب ایران با وضوح هرچه تمام‌تر نشان داد که هر قدر جنبه‌های بخش ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب قاطع‌تر و بی‌گیرتر باشد، به همان اندازه نیز کینه حیوانی و خصومت امپریالیسم آمریکا و در عین حال همدستی سایر دولت‌های امپریالیستی علیه انقلاب شدیدتر و گسترده‌تر است. و درست برخلاف بهنش لیبرال‌های طراح سیاست ورشکسته گام به گام (که در مقابل قاطعیت بی‌گیر نیروهای اصیل انقلاب به رهبری امام خمینی، اکنون علناً اظهار ندامت و پشیمانی از انقلاب می‌کنند) این قاطعیت و بی‌گیری انقلابی، که بازتابش هم‌دستی و خونت حیوانی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا علیه ایران و انقلاب شکوهمند آنست، سبب افتخار و سربلندی مردم رزمنده این

جمعیت ایرانی هواداران صلح در مراسم روز قدس شرکت کرد

جمعیت ایرانی هواداران صلح مانند همه سازمانها، گروهها، احزاب و نیروهای انقلابی و اسلامی در مراسم روز قدس شرکت کرد. در اعلامیه‌ای که بدین مناسبت به تاریخ ۵/۱۴/۵۹ از طرف جمعیت ایرانی هواداران صلح انتشار یافت، از جمله گفته شده بود:

"در روزهای گذشته، در رابطه با فلسطین و مبارزه قهرمانانه خلق آن، دو حادثه درونی نمود که پیاپی مهمی را با ایدای آن انتظار داشت.

نخست، قطعنامه‌ای که در اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب رسید و در آن حق مردم فلسطین به بازگشت به سرزمین غصب شده اجزادی خود و حق شان به استقلال و حاکمیت ملی و تاسیس یک دولت مستقل تأیید و تصریح شد که "سازمان آزادی بخش فلسطین" بعنوان شما بنده، قانونی مردم فلسطین با ایدراساس برابری در همه کوششها و مباحثات و کنفرانس‌های مربوط به مسئله فلسطین و وضع خاور میانه شرکت داده شوند.

همچنین در این قطعنامه، از سوی اکثریت نزدیک به اتفاق اعضای سازمان ملل متحد، به اسرائیل اخطار شد که حداکثر تا ۱۵ نوامبر امسال، یعنی تا ۲۴ آبان ۱۳۵۹، تخلیه تمامی سرزمین‌های اشغالی عرب را آغاز کند.

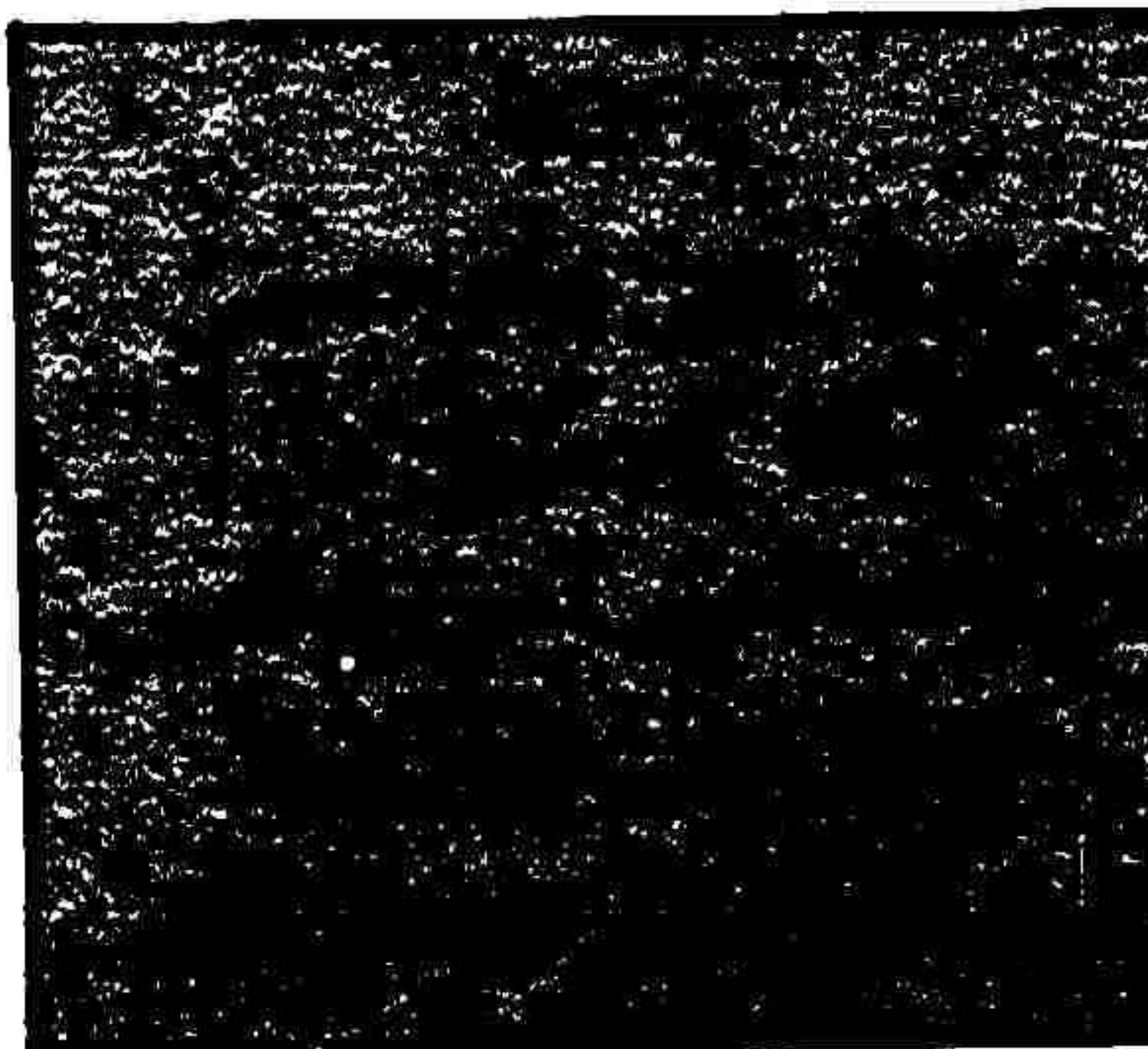
دوم، تصمیم غیرقانونی دولت و پارلمان اسرائیل مبنی بر الحاق بخش شرقی بیت المقدس و تعیین این شهر به عنوان پایتخت اسرائیل.

این دو حادثه، هر یک از سویی، سبب غدارانه کمپ دیپلوماسی باطل می‌سازد، تا جایی که سادات خائن مجبور شده است مذاکرات با صلاح خودمختاری فلسطین را با بگین به تعویق بیندازد.

اکنون در فضای مساعدی که در سراسر جهان - با استثنای معدود کشورهای بی‌گانه و وابستگی مستقیم به امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم هستند - نسبت به مبارزه خلق قهرمان فلسطین بوجود آمده است، و در موج همدردی جهانی با زندانیان فلسطینی که در شکنجه‌گاه‌های اسرائیل دست بسته است عصاب غذا زده تا اکنون دوشهیددا دهان گروهی از ما دران زندانیان نیز با آنان در اعتصاب غذا شرکت جسته‌اند، برگزاری روز قدس در ایران و در کشورهای اسلامی از معنا و تاسیر عظیمی برخوردار است و می‌تواند زمینه بسیار مساعدی برای اتحاد همه نیروهای هواداران عدالت و آزادی و استقلال ملی فراهم آورد و به تدارک نبرد نهایی برای رهایی سرزمین فلسطین، برانداختن سلطه امپریالیسم در منطقه، از بین بردن خطر مداخله و جنگ از سوی این دوشیرونی شیطان و استقرار صلح در خاور میانه و جهان کمک نماید.

آب و خاک است، که در راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه خویش ده‌ها هزار شهید به خون خفته داده‌اند.

تجربه تلخ و گران قدر انقلاب شکوهمند ایران که به بهای خون بیش از ۷۰ هزار شهید و ۱۰۰ هزار مجروح تمام شده است، به توده‌های مردم مستضعف به وضوح نشان داده است که امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و در این خصومت و دشمنی بین دول امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن و آمریکا تفاوتی وجود ندارد. توهم اختلاف بین دول امپریالیستی اروپای غربی، ژاپن و آمریکا در مخالفت با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فقط می‌تواند انقلاب ایران را به کوره راه بکشاند.



در جلسه تلنی روز دوشنبه و بارای تمایل نمایندگان:



محمد علی رجائی نخست وزیر شد

حجت الاسلام کروی: ملت انتظار دارند که تمام جزئیات مربوط به سران کودتا و توطئه چیمان در اختیار عموم قرار گیرد. تا بحال از مصالحت اندیشها و کتمان حقایق جز ضرورتی عایدمان نشده است.

در جلسه علنی پریروز مجلس، که در ساعت ۱۱ صبح به ریاست حجت الاسلام رفسنجانی تشکیل شد، نخست وزیری آقای محمد علی رجائی بوسیله رای تمایل نمایندگان قطعی شد.

نخستین ناطق قبل از دستور جلسه، حسین نائینی، در باره مشکلات حوزه انتخاباتیه آتن و بویژه مشکل کمبود پزشک سخن گفت و از پزشکان خواست که برای خدمت به مردم محروم روستاها و شهرستانهای کوچک به این نقاط بروند.

ناطق بعدی مهاجرانی، نماینده شیراز، ضمن اشاره به مراکز قدرتی که دولت موقت همیشه از آن می‌نالید و خطاب به دولت جدید گفت: باید وحدت بین دولت و انقلاب برود.

ایران را در چهره کابینه جدید دید. کابینه جدید باید به نهاد انقلابی و انقلابی متکی باشد و منجمله از طرخی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در این مورد داده اند، استفاده کند.

وی افزود: دولت باید با ویژگیهای انقلاب...

یعنی مردمی بودن آن مطابقت کند. در این کشور نهادهایی رشد کرده اند مانند سیاه پاسداران که به تعبیر امام "اگر سیاه نبود کشورم نبود..."

نهادهایی مثل جهاد سازندگی، کوه برادران و خواهران ما با ایثار و فداکاری و تحمل رنجها انقلاب را بسطه گوشه و کنار کشور برده اند. اگر دولت با این نهادها ترکیب شود، اگر اصالت را به نهادهای انقلابی بدهد و این نهادها مطرح باشند و اگر معتقد نباشیم قحط الرجال است (که بسطه تعبیر آیت الله منتظری جهل الرجال است) دیگر مساله تعدد مراکز قدرت از بین می‌رود.

حجت الاسلام مهدی کروی، نماینده الیکودرز، آخرین سخنران قبل از دستور جلسه علنی مجلس، در ارتباط با توطئه کودتای اخیر گفت: "سالها در این سرزمین در مقابل خفقان و ظلم مبارزه و فداکاری شد. عده کثیری از این ملت غیور و مبارز به شهادت رسیدند، تا اینکه به رهبری قاطع امام و فداکاری مردم، انقلاب به پیروزی رسید. از همان ابتدا توطئه ها پشت سرهم جریان داشتند و برای نابودی انقلاب نیروهای ابلهسی تلاش، توطئه و کارشکنی می‌کردند و هنوز هم می‌کنند... اما با هدایتهای امام و هشیاری مردم، توطئه ها تاکنون یکی پس از دیگری خنثی شده و به نتیجه نرسیده اند. اینهمه شایعه پراکنی ها و برجسبها، که بمنظور تضعیف رهبری انقلاب و ایجاد تشتت و نفاق بین مردم انجام می‌گرفتند، به نتیجه نرسید و مردم انقلابشان را پاسداری و دنبال کردند و نمونه کارشکنی راه پیمایی ۲ روز پیش (روز قدس) بود، که با آنهمه تبلیغات سوء دشمن، دیدیم که باجه شور و هیجانی انجام

گرفت...

حجت الاسلام کروی در ادامه سخنان خود گفت:

"از توطئه های خطرناک برای انقلاب بعد از توطئه طیس، توطئه کودتایی بود، که یکماه پیش کشف شد. این توطئه در سطح وسیعی پی ریزی شده بود و تنها با هشیاری نیروهای انقلابی در سیاه و کمیته مرکزی و نیروی هوایی... کشف و خنثی شد. اما مساله ای که میماند این است که، دستهایی مختلف در این توطئه شرکت داشتند و نیروهایی برای نابودی انقلاب با دشمنان ملت ساخت و پاخت کردند. ملت انتظار دارد کسبه اعترافات سران کودتا و توطئه چیمان درجه اول و فیلمها و نوارهای موجود از آنان در اختیار عموم مردم قرار گیرد، تا از تمام جریانها مطلع شوند... این مردم با وفا، که جان بر کف در راه انقلاب فداکاری می‌کنند، ماهیت افراد و جمعیتها را باید بشناسند و بدانند چه کسانی با دشمن رابطه داشتند، بدانند چه کسانی قرار بود بعد از به شهادت رسانیدن امام بپایند و پیام رادیویی بدهند و مردم را ساکت کنند..."

وی در پایان سخنان خود گفت: تا بحال از مصالحت اندیشها چیزی زبان و ضرورت نتیجه ای عایدمان نشده است. ببینید در همین جریان مدنی، مدنی که اینهمه پرونده داشت، چرا باید کاندیدای ریاست جمهوری شود و ۴ میلیون رای بیاورد؟ کتمان حقیقت جز اینکه بضرر ما بوده چه نتیجه ای داشته است؟ اینها مسائلی است که مردم باید در جریان باشند و پنجه های خونینی که علیه آنها توطئه می‌کرده، بشناسند. آنچه مسلم است با مطرح شدن مسائل و بخش نوارها مشخص می‌شود، چه کسانی در جریان توطئه همکاری داشتند و چه خیانتها پی برده اند..."

پس از سخنان قبل از دستور نمایندگان، در مورد نخست وزیری محمد علی رجائی رای گیری شد و در نتیجه آقای محمد علی رجائی با ۱۵۲ رای موافق، ۲۴ رای مخالف و ۱۹ رای ممتنع به سمت نخست وزیری ایران انتخاب شد.

سپس نمایندگان سازمانهای اسلامی و شصت و شش شرکت کننده در کنگره آزادی قدس، با دعوت قبلی که از آنها شده بود، در مجلس حضور یافتند. حجت الاسلام رفسنجانی ضمن خیر مقدم بسطه آنان سخنانی بیان کرد. سپس یکی از شرکت کنندگان در کنگره، بسطه نمایندگان از جانب تمام هیئت های نمایندگی، سخن گفت. حجت الاسلام محمد منتظری در باره کنگره آزادی قدس توضیحاتی داد و از جمله گفت: در مورد مساله فلسطین ما خیالسی کوتاهی کردیم، و بیشتر شعار دادیم و کمتر عمل کردیم. انقلاب فلسطین در پیروزی انقلاب ایران نقش موثری داشته است."

وی افزود: باید سعی کنیم در این مجلس شورای اسلامی تصمیمات جدی برای کمک بسطه نهضت های رها شده دنیا اتخاذ کنیم... امیدواریم بتوانیم با تشکیل یک کمیته دائمی قدس، این مساله (آزادی قدس) را بطور دائمی تمقیب کنیم و در حل آن موفق شویم..."

پس از وی، هانی الحسن نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در طی سخنانی گفت: "ما فلسطینی ها مدت ۱۵ سال جنگیده ایم و پایه جهاد را در فلسطین ریختیم

دفتر نامه «مردم» در گر مساز...

بقیه از صفحه ۱

کنند، اما مردم اعلام کردند که این عملی ضدانقلابیست و مانع کار آنها شدند. اما ساعتی بعد که جمعیت باردیگر به مقابل دفتر رسیدند، چهره های شاخه شده ای که در گذشته نیز در حمله به دفتر "نامه مردم" شرکت فعال داشتند خود به دفتر حمله کردند. در این هنگام وانتی که بار آن آجر و بیل و کلنگ بود به مقابل دفتر آمد و بار خود را به زمین ریخت و اوباشان با آجر و بیل و کلنگ به تخریب دفتر پرداخته، درها و پنجره ها را از جای درآورده و در مقابل چشمان حیرت زده مردم، به آتش کشیدند. در پی این عمل ضدانقلابی تظاهرات برهم خورد.

ضدانقلابیون، خشم و نفرت مردم گرمسار را برانگیختند. انجمن جوانان مسلمان گرمسار یکی از اعضای خود را که در حمله قبلی به دفتر "نامه مردم" شرکت داشت، اخراج کرد و بدین وسیله نفرت و انزجار خود را از این اعمال ابراز نمود. یکی از شرکت کنندگان در حمله قبل به دفتر "نامه مردم" مراجعه کرد و از عمل خود اظهار پشیمانی و تاسف نمود و اعلام کرد که حضرات برای جبران آن، در بازسازی دفتر شما شرکت کنند.

متاسفانه پرسنل شهرانی و افراد سیاه پاسداران که در جریان حمله به دفتر در محل حضور داشتند، در مانعت از این عمل ضدانقلابی، اقدامی صورت ندادند در حالیکه اعلامیه نادستان کل کشور نیروهای انتظامی را موظف می‌ساخت که قاطانه با اینگونه تشبثات که مستقیما بسطه ضدانقلاب تمام میشود، مقابله کنند.

در جریان حمله به دفتر "نامه مردم"، آقای موسوی پیش نماز مسجد جامع گرمسار که از منافع فتودالها و مالکان بزرگ دفاع می‌کند و علیرغم نظرامام صریحا اعلام می‌کند که "در اسلام مالکیت محدود نیست و نباید باشد"، نقش

ما منتظریم که شما در آزادی فلسطین با ما همکاری کنید. ما امیدواریم که با تشکیل کابینه جدید هر چه سریعتر به مرحله سازندگی قدم بگذارید..."

وی در پایان، بنام سازمان آزادیبخش فلسطین، از مردم ایران، و امام خمینی بمناسبت اختتام روزی به روز قدس تشکر کرد و شرکت وسیع مردم در راه پیمایی های روز قدس را ستود.

سپس حجت الاسلام محمد بزیدی شرح کامل مذاکرات و بحثهایی را که منتخب نمایندگان مجلس و نیز نماینده ریاست جمهوری در باره تعیین نخست وزیر انجام گرفته بود، بسطه نمایندگان قرائت کرد. در پایان، امامی کاشانی، که عضو هیئت منتخب نیز بود، طی سخنانی، از جمله گفت: "آقای رجائی... تا آن زمان که شما در راهید (در راه انقلاب) مجلس شما شاست و آن زمان که عدول کنید مجلس هم (از همکاری با شما) عدول خواهد کرد..."

مجلس شورای اسلامی تا روز شنبه آینده جلسه علنی نخواهد داشت. جلسه علنی بعدی مجلس روز شنبه آینده، ساعت ۱۰ صبح تشکیل خواهد شد.

در حاشیه مجلس هنگامی که حجت الاسلام کروی در سخنانش به کسانی که قرار بود بعد از شهادت امام پیام رادیویی بخوانند، اشاره کرد، حجت الاسلام خلخالی فریاد زد: "مرگ بر آنها!"

بدنبال آن عده ای از نمایندگان خواهان افشاء نام این افراد شدند و حجت الاسلام خلخالی تاکید کرد: "نام آنها را صریحا ذکر کنید..."

حجت الاسلام کروی در پاسخش درخواست نمایندگان گفت: آنچه مسلم است نوارها موجود است و اقرارها هم موجود است. اگر مسائل مطرح شود و نوارها بخش گردند، مشخص می‌شود چه کسانی بوده اند..."

در روزنامه انقلاب اسلامی، مورخ ۱۹ مرداد ۵۹، در ستونی بنام "روزها بر رئیس جمهور چگونه می‌گذرد"، آقای رئیس جمهور نوشته اند که روز شنبه ۱۱ مردادماه گزارشی را در مورد "حزب توده و تلاش با فدائیان و مجاهدین برای همکاری مطالعه کرده اند. حزب توده ایران بدینوسیله اعلام می‌دارد که مضمون گزارش مزبور صحت ندارد.

تحریک کنندهای ایفا کرد. وی که به علت مخالفت مردم گرمسار نتوانست از گرمسار نامزد نمایندگی مجلس شورای اسلامی شود، پس از شکست انتخاباتی در قزوین، باردیگر به گرمسار بازگشته و در سه حمله ای که به دفتر "نامه مردم" صورت گرفته، مردم را تحریک نموده است.

وی داروهای موجود در دفتر "نامه مردم" را که به معالجه رایگان دهقانان اختصاص داشته است، ضبط کرده و مسترد نمی‌دارد.

مسئولین جمهوری اسلامی ایران، نیروهای انتظامی و بویژه دادستانی کل کشور باید در مقابل این اعمال ضدانقلابی، قاطانه عمل کنند و مانع از آن شوند که ضدانقلاب چنین جسورانه عرصه کشور را به ویرانگری و قانون شکنی تبدیل کند.

ما خواستار اجرای سریع و جدی اعلامیه نادستان کل کشور و رعایت مسئولانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، استرداد دفاتر اشغال شده حزب توده ایران و "نامه مردم" در سراسر ایران و دستگیری و مجازات حمله کنندگان به این مراکز هستیم.

هاشمی رفسنجانی: ما... بقیه از صفحه ۱ که در مقابل، مجلس در ارتباط با نامه قبلی، نظریه دهد."

از آقای رفسنجانی در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نقایص و معاشاتی که در این زمینه، از آغاز، موجود بوده، سؤال شد. وی گفت: "من فکر کنم که با داشتن یک وزیر انقلابی و در خط امام، فکر کنم که کمیوها و نواقصی که در گذشته بوده، برطرف گردد."

در ارتباط با انتخاب عناصر انقلابی برای پست های حساس، رئیس مجلس متذکر گردید: "افراد لایق را در هر کجا دیدیم، باید به آنها مسئولیت بدهیم." هاشمی رفسنجانی در پاسخ به این پرسش که: آیا روابط ایران و شوروی روبهتری گراییده یانه، گفت: "من از روبهتری گذاشتن روابط چیزی نمی‌بینم. روابط همان بوده که هست."

تظاهرات اعتراض... بقیه از صفحه ۱ بدنبال سرکوب فاشیست مابانه تظاهرات دانشجویان ایرانی در انگلستان، که توسط پلیس این کشور انجام شد، گروههایی از مردم ایران به نشانه اعتراض در جلوی سفارت انگلستان به تظاهرات پرداختند.

از روز شنبه ۱۸ مرداد عده ای از جوانان دلیر و مبارز ایرانی عضو انجمنهای اسلامی، در جلوی سفارت انگلستان اعلام تحسن و روز سه شنبه کردند. بدنبال این عمل، گروههای مختلف مردم به حمایت از این جوانان در جلوی سفارت انگلستان اجتماع کردند.

خبرنگار "نامه مردم" که روز دوشنبه ۲۰ مرداد از محل دیدن کرد، می‌نویسد: "مردم با مشت های گره کرده و شعارهای ضد امپریالیستی خود روش پلیس انگلستان را در برابر دانشجویان قهرمان ایرانی محکوم کردند. آنها همچنین به اعمال مشابهی که از سوی پلیس فاشیستی آمریکا و ایتالیا انجام گرفت، اعتراض می‌کردند. مردم شعار می‌دادند: "مرگ بر پلیس فاشیست آمریکا و انگلیس"

این تظاهرات بخوبی نشانگر درکی است که مردم قهرمان ما از امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکای جهانخوار دارند. آنان می‌دانند که امپریالیسم انگلستان، فرانسه، ایتالیا و... در ماهیت فرقی با آمریکای جنایتکار ندارند و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران منافع تمامی آنان را به خطر انداخته است. بی جهت نیست که در سرکوب مبارزات دانشجویان ایرانی، پلیس تمامی این کشورها به روشی مشابه، یعنی برخورد ددمنشانه به تظاهرات آرام دانشجویان، متوسل می‌شوند. درست، بهمانگونه که در توطئه علیه انقلاب ایران، تمامی کشورهای امپریالیستی به روشی یکسان دست می‌بازند. امپریالیسم فرانسه همانقدر بختیارها، نزیها و سایر مزدوران را بسیج می‌کند که امپریالیسم آمریکا. امپریالیسم انگلستان همانگونه عوامل توطئه علیه انقلاب را سازمان می‌دهد و تجهیز می‌کند که امپریالیسم آلمان غربی آری، امپریالیستها همگی دشمن انقلاب ما هستند. اسم آنها مهم نیست، و این را مردم ما خوب می‌فهمند."

توضیح

تلاش با فدائیان و مجاهدین برای همکاری مطالعه کرده اند. حزب توده ایران بدینوسیله اعلام می‌دارد که مضمون گزارش مزبور صحت ندارد.

در روزنامه انقلاب اسلامی، مورخ ۱۹ مرداد ۵۹، در ستونی بنام "روزها بر رئیس جمهور چگونه می‌گذرد"، آقای رئیس جمهور نوشته اند که روز شنبه ۱۱ مردادماه گزارشی را در مورد "حزب توده و تلاش با فدائیان و مجاهدین برای همکاری مطالعه کرده اند. حزب توده ایران بدینوسیله اعلام می‌دارد که مضمون گزارش مزبور صحت ندارد.

نهال انقلاب دیر به میوه می نشیند، ولی به میوه خواهد نشست

خرابکاریهای امپریالیسم و متحدین ایرانی آن در داخل و خارج، مشکلات طبیعی تحولات انقلابی را در کشور ما چند برابر ساخته است

"دارو دسته" خمینی "دست نخواهد کشید. در زیر این آتش سنگین توپخانه سیاسی، نظامی، جاسوسی، اقتصادی امپریالیستی، دستاوردهای انقلاب ایران حتی احساس شکستی برمی انگیزد. ایجاد این همه نهادهای مختلف انقلابی و دولتی و باطل ساختن اینهمه تحریکات و توطئه ها و بمبش راندن انقلاب خود کامیابی بزرگی است.

امید است با همکاری نزدیک رئیس جمهور و مجلس، تشکیل دولت جمهوری اسلامی، تصویب برنامه و قوانین مترقی، کام های تازه و مهمی در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انقلاب برداشته شود.

نیروهای اصیل چپ، خواه در عرصه جهانی، خواه در ایران، در اثر تحریکات مدام امپریالیسم و عمال و متحدینش، این دوران انتقال را به آسانی نگذرانده و نمی گذرانند. هم اکنون مراکز حزب توده ایران (که با نهایت وفاداری بی خلل به انقلاب و رهبری آن عمل کرده) در سراسر کشور اشغال و تعطیل است و هر روز علیه کشورهای سوسیالیستی (که صمیمیت خود را نسبت به انقلاب ایران بفراتر از هر کجای دنیا رسانده اند) تحریکات خشن تازه ای انجام می گیرند. ولی از آنجا که نیروهای اصیل چپ در جهان و ایران به انقلاب خلقها تا آخر وفادارند، هیچ فتنه انگیزی نمی تواند، تا زمانی که انقلاب ایران درست ضد امپریالیستی و خلقی است، درمشی آنها اثری باقی گذارد. کسانی که تعجب می کنند که چرا ما رفتار نسبت به خودمان را اساس واکنش قرار نمی دهیم، کسانی که اصولیت عمیق حزب ما را در گذشته و حال درک نکرده اند، لختی در این باره بیاندیشند، تا هم به صحت این مشی پی ببرند و هم آنرا سرمشق رفتار سیاسی خود قرار دهند.

حزب ما به تصدیق دوست و دشمن، نیروی معنوی بزرگی است که با پشتیبانی خود از رهبری امام، وزن قابل توجهی را در مقیاس ملی و بین المللی، بسود انقلاب ایران وارد ساخته است. قاعدتا باید وفاداران به انقلاب، اعم از هر عقیده ای که داشته باشند، این نکته بدیهی را درک کنند و اگر کسانی از سراسراده لوحی یا تعصبات تنگ نظرانه درک نمی کنند، امید است روزی درک کنند. ما با خرابکاران، که آگاهانه عمل می کنند، کاری نداریم.

نهال انقلاب در حال رشد است. این نهال در اثر دشواریهای طبیعی هر انقلاب زرف خلقی و دشواریهای اضافی ناشی از تحریکات امپریالیسم و ارتجاع و عمال و متحدینش، به سختی رشد می کند و دیر به میوه می نشیند، ولی وظیفه عبارت است از حفظ آن و درک مشکلات رشد آن نه مطرح شعارهای منفی ذهن گریزانه و هوسناکانه.

تا امروز نتوانستیم مانع سیر انقلاب شود. نمایش اخیر "روز قدس" نشان داد که امپریالیسم در مسرف کردن امام خمینی در افکار عمومی، که یکی از مهمترین هدف های اوست، موفقیتی نداشته است.

با آنکه امپریالیسم موفق نشده، اما توانسته است سرمایه را کند کند. مشکلات اقتصادی و اجتماعی فراوانی بوجود آورد. شدت آن توجه رژیم انقلابی را (که باید صرف رفع مشکلات زندگی عمومی شود) صرف دفاع از خود بکند. مشکلات اقتصادی مانند تورم، گرانی، بیکاری، فلج تولید صنعتی و مشکلات اجتماعی و سیاسی موجود در بخش عمده مولود خرابکاری امپریالیستی است، ولی شایعه افکنان دست نشانده امپریالیسم و ارتجاع همه آنها را به حساب "آخوندها" می گذارند و مسلما منظور آنها از "آخوندها" نه "وعاظ السلاطین" و معاصمیرهای همگرا ساواک و شرکت کننده در کودتا، بلکه روحانیت سازز پیرو خط امام خمینی است.

هر ایرانی می تواند از خرابکاریهای امپریالیستی (مانند مسدود کردن دارائی ایران در بانک آمریکا، پناه دادن و تقویت خانواده پهلوی و ضد انقلابیون دیگر مانند بختیارز اویسی، تحریکات خونین در کردستان و خوزستان و نقاط دیگر، تجاوز آشکار طیس، توطئه کودتایی اخیر علیه رژیم انقلابی، محاصره اقتصادی ایران، تمرکز نیروهای دریایی و هوایی در عمان، تربیت مزدوران ساواکی در خاک مصر و عمان، تحریک عراق به تجاوز دائمی علیه ایران، تحریک لیبرالهای ایرانی به ناسازگاری با رهبری انقلاب، ایجاد گروهک های ترسکست و مائوئیست و انداختن آنها به جان انقلاب بنام "انقلاب سرخ" و "قیام مسلحانه علیه فالترازم"، رخنه در سازمانهای صدیق انقلابی و همراه کردن آنها، نفوذ دادن ساواکیها در صفوف گروههای افرایطی مذهبی و وادار ساختن این گروهها به اقدامات آناشیستی، حمله به دفاتر احزاب و به کتاب سوزی و غیره، سوء استفاده وسیع از مطبوعات و رادیو و تلویزیون و دستگاه دولتی برای پخش دروغ و سوء اطلاع و غیره و غیره.) برای خود فهرستی ترتیب دهد و ببیند که بنی اعمام انگلوساکسون (واشنگتن و لندن) چه تقلائی عرق ریزی را برای خفه کردن و مسخ انقلاب ایران ایفا کرده اند و تا این لحظه که این سطور را می نویسیم، کمترین فتوری در این تقلابها روی نداده و گارترا اعلام داشته است که، هرگز از کوشش خود برای سرنگون کردن باصطلاح او

اکنون ما در مرحله های هشتم که رژیم کشور ما و وظایف عملی آن باید بازم بیشتر مشخص شود، برخی ها در واقع تمایل به نوعی تمرکز قدرت در دست ریاست جمهوری دارند. برخی این شیوه را موافق قانون اساسی مصوب نمی شمردند و تمرکز قدرت را در مجلس شورای اسلامی طالبند.

امام همگاری صمیمانه این دو ارگان را برای ایجاد دولت و برنامه دولتی ضروری می شمرد. در واقع هم اگر این همگاری صمیمانه تامین نشود، رژیم ایران از جهت سیاسی دچار مشکلات بزرگی خواهد شد و یک نوع نطفه انفجاری را در خود نهان خواهد داشت.

بودن امام، بعنوان رهبر یا نفوذ روحانی و سیاسی انقلاب، مانع چنین انفجاری است. ولی مطلب را نمی توان همیشه با حساب مداخله امام حل کرد. باید جریان را طوری فیصله داد که رژیم برخاسته از انقلاب بتواند کار کند. این مشکل مهمی است که هر روز کرده و امپریالیسم با توجه کامل می خواهد از این مشکل برای دهن کردن انقلاب ایران بهره برداری کند.

پس از تعیین نخست وزیر و تشکیل کابینه و تنظیم برنامه و تصویب آنها به وسیله مجلس، پس از تصویب یک سلسله قوانین ضروری اولیه، آنوقت رژیم سیاسی برخاسته از انقلاب، تمام نهادهای دولتی و اجتماعی خود را ایجاد کرده و آماده عمل است. از آنروز (که اگر بدرستی و سریعا عمل شود، نباید از چند ماه دیگر تجاوز کند) منطقی است که مام عمل کرد رژیم را مورد بررسی قرار دهیم و توقعات معینی را مطرح کنیم.

روند دوران انتقال را فعالیت خرابکارانه و مودیانه امپریالیسم به مراتب دشوارتر از آن ساخت که یک انقلاب عظیم خلقی ناچار با چنان دشواریهایی همراه است.

امپریالیسم بدست عمالش و متحدینش با تمام نیرو کوشید تا در کارزارهای دموکراتیک و انتخاباتی پیروز شود و از پیدایش نهادهای انقلابی جلوگیری کند و علیه جمهوری اسلامی توطئه های مختلف براه اندازد و با شایعه سازی افکار عمومی را تحریک کند و انقلاب و رهبر آنرا در نظر مردم بی اعتبار سازد و تخم شک و بی اعتمادی پخش نماید. امپریالیسم در این زمینه ها، هم از راست عمل کرد و هم از چپ، هم از منبر "اسلام" سخنان ویژه خود را پراکنده ساخت و از مسند "مارکسیسم" دست به دسه گشود.

علی رغم آنکه امپریالیسم در کشور ما پیش از قریب است حکمروایی دارد و علی رغم نکارانداختن همه بیج و مهرها و توسل به انواع شرکدها و تقلابها

انقلاب ایران پس از برانداختن رژیم پهلوی، بلافاصله، آنطور که برخی ها اعلام می داشتند، وارد مرحله نوسازی نشد و نمی توانست هم بشود. ما از همان آغاز پیروزی انقلاب، با تاکید و تکرار نوشتیم که هر انقلاب زرفی که بخواهد در نظام اجتماعی تغییرات بنیادی ایجاد کند، ناچار است از سه مرحله منطقی ضروری بگذرد، یعنی:

۱- مرحله برانداختن نظام کهن.
۲- مرحله انتقال، که طی آن باید سه بر که از جهت سیاسی انجام گیرد، یعنی روشن شود که بین نیروهای سیاسی دست اندرکار در مرحله اول (براندازی) کدام یک و یا کدامها (در ائتلاف با هم) ابتکار را در دست می گیرند و لیاقت خود را برای ایجاد یک تثبیت نوین به منصف بروز می رسانند.

۳- مرحله نوسازی، که طبق آن باید سه بر که از جهت سیاسی تکمیل و از جهت اقتصادی تحقق پذیرد، یعنی نظام نوین واقعاً بتواند از جهت ایجاد یک اقتصاد و فرهنگ مستقل و شکوفان و خلقی، به مراتب بهتر از وضع گذشته ایجاد کند، والا انقلاب برای چه صورت گرفته است؟

دولت موقت مهندس بازرگان از همان ابتدای کار این اشتباهی کاذب و سیرناکردنی را در جامعه ایجاد کرد که گویا مشغول "نوسازی" است و انقلاب تمام شده است و بزودی ما به نتایج مثبت آن دست می یابیم. در همان موقع امام خمینی گفت که: انقلاب در راه است و هنوز مراحل مهمی باید حل شود. امام خمینی گفت: پس از تصویب قانون اساسی و تشکیل مجلس و دولت و روشن شدن برنامه دولت می توان گامهای اساسی را برداشت. مطلب روشن است: تصویری که از نوسازی جامعه در ذهن لیبرالها وجود داشت، با تصویری که روحانیت مبارز و براس آن شخص امام از آن داشت، چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ سیاسی و چه از نظر فرهنگی، یکسان نبود. لازم بود که این تصورات ابتدا مشخص شود و سپس نظر عموم درباره آن خواسته شود. رای گیری راجع به جمهوری اسلامی، انتخاب مجلس خبرگان، همه پرسی قانون اساسی، انتخابات رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی، یعنی رای گیری در پنج مورد حساس، گامهایی بود که در سمت مشخص کردن حدود و نفوذ نظام نو برداشته شد. این اقدامات در تاریخ ایران بی سابقه بود.

این واقعیتی است که در این رای گیری ها، اکثریت سنگین جامعه ما به آنچه که امام گفت، رای دادند و تکامل انقلاب ما در مرحله انتقال، مانند مرحله براندازی، با آنکه به آراء وسیع خلق انجام گرفت، و این خصیصه خلقی و دموکراتیک یکی از ویژگی های مهم انقلاب ما است، که آنرا ممتاز می کند و این منطق را از دست دشمن می ستاند که گویا در ایران گروهی اراده خود را به زور تحمیل کرده اند.

نقش خرابکارانه و تخریک آمیز پکن در جنوب شرقی آسیا

نگوین خاک وین، روشنفکر برجسته و دانشمند علوم سیاسی و روزنامه نگار ویتنامی، در محامه ای، نقطه نظرهای خود را درباره اوضاع مرزی تایلند - کامبوجیا و اثرات آنرا بر روابط کشورهای آسیای جنوب شرقی اعلام کرد. نگوین خاک وین گفت:

"بعدا از پیروزی نیروهای انقلابی کامبوجیا در ژانویه ۱۹۷۹، بقایای دار و دسته پبول پوت - ینگ ساری به تایلند گریخته و در این کشور مراکز خرابکاری علیه انقلاب کامبوجیا ایجاد کردند. این اوضاع یک منبع دائمی خطر برای کامبوجیا است."

- اندیشمند ویتنامی اضافه کرد: "پکن که از رژیم خون آشام پبول پوت - ینگ ساری حمایت می کند، در این جریان نقشی بنیادین خرابکارانه داشته است. برتری طلبان پکن، که از طریق حمایت از رژیم خیمه شب - بازی پبول پوت، آرزو داشتند ویتنام متحد را در جنوب آزاد شده مورد تهدید دائمی قرار دهند و در فرمت مناسب، بموجب اسناد بدست آمده، نسواحي دلتای رود مکونگ و سایگون را تصرف کنند، اکنون نمی توانند از دست دادن کامبوجیا را "هضم" کنند. متنام های تایلندی نیز به فشارهایی که به این کشور اعمال می شود، تسلیم شده و خاک تایلند را به مرکز خرابکاری علیه

نگوین خاک وین، روشنفکر برجسته و دانشمند علوم سیاسی و روزنامه نگار ویتنامی، در محامه ای، نقطه نظرهای خود را درباره اوضاع مرزی تایلند - کامبوجیا و اثرات آنرا بر روابط کشورهای آسیای جنوب شرقی اعلام کرد. نگوین خاک وین گفت:

"بعدا از پیروزی نیروهای انقلابی کامبوجیا در ژانویه ۱۹۷۹، بقایای دار و دسته پبول پوت - ینگ ساری به تایلند گریخته و در این کشور مراکز خرابکاری علیه انقلاب کامبوجیا ایجاد کردند. این اوضاع یک منبع دائمی خطر برای کامبوجیا است."

- اندیشمند ویتنامی اضافه کرد: "پکن که از رژیم خون آشام پبول پوت - ینگ ساری حمایت می کند، در این جریان نقشی بنیادین خرابکارانه داشته است. برتری طلبان پکن، که از طریق حمایت از رژیم خیمه شب - بازی پبول پوت، آرزو داشتند ویتنام متحد را در جنوب آزاد شده مورد تهدید دائمی قرار دهند و در فرمت مناسب، بموجب اسناد بدست آمده، نسواحي دلتای رود مکونگ و سایگون را تصرف کنند، اکنون نمی توانند از دست دادن کامبوجیا را "هضم" کنند. متنام های تایلندی نیز به فشارهایی که به این کشور اعمال می شود، تسلیم شده و خاک تایلند را به مرکز خرابکاری علیه



مقامات حاکمه و اشرافیت گویند مردم آمریکا دروغ می گویند

"مرکز اطلاعات دفاعی آمریکا، در گزارشی در باره بودجه نظامی این کشور، تلویحا به تحمیل انکار عمومی این کشور بوسیله هیئت حاکمه واشنگتن اعتراف کرده است. این مرکز در گزارش خود اعلام می کند که در سال ۱۹۸۱، آمریکا بیش از ۱۵۷ میلیارد دلار برای مخارج نظامی خرج خواهد کرد، که حدود چهار میلیارد دلار از بودجه نظامی سال ۱۹۸۰ بیشتر است. جن لاروک، دربار سالار بازنشسته آمریکا و مدیر این مرکز گفت: "حتی اگر افزایش تورم را در آمریکا در نظر بگیریم، متوجه می شویم که بودجه نظامی آمریکا سالانه بیش از ۷ درصد افزایش می یابد. در صورتیکه مقام های رسمی به مردم می گویند بودجه جنگی سه تا چهار درصد افزایش خواهد یافت."

بدین ترتیب حتی باره ای از موسسات آمریکایی نیز تلویحا اعتراف میکنند که هیئت حاکمه واشنگتن، این غلامان حلقه بگوش انحصارات، تا چه حد به مردم دروغ می گویند. دربار سالار لاروک در گزارش خود یاد آور میشود که تبلیغات در مورد برتری نظامی شوروی و بیمان ورتسو سی اساسی است، وی می گوید که افزایش مخارج نظامی آمریکا در واقع به از هم پاشیده تر شدن اوضاع اقتصادی کشور منجر خواهد شد.

محاکمه جاسوسان و مزدوران آمریکایی در کابل پایان یافت

محاکمه عده ای از جاسوسان و مزدوران، که علیه مردم بیگناه افغانستان دست به جنایت زده و از جمله آب چند مدرسه را در کابل مسموم کرده بودند، پایان یافت.

در جریان محاکمه اسناد و مدارک غیر قابل انکاری ارائه شد، که در آنها با کمال روشنی و صراحت ثابت شده است که باند های مزدور، در پاکستان آموزش می بینند. سردهنده مزدوران، در دادگاه گفت که مواد شیمیایی برای مسموم کردن آب مدارس، در اردوگاه پیشاور به این باند تحویل داده شده بود.

همچنین در حومه هرات گروه های مسلح خلقی (دفاع از خود)، ۳۵ مزدور را با زداشت کردند. این مزدوران که به سلاهای ساخت چین و آمریکا مجهز بودند، یک مدرسه را متفجر کردند و قرار بود یک مدرسه دیگر را نیز نابود سازند. مردم هرات هنگام مشاهده مزدوران با زداشت شده، مشت های گره کرده خود را به آنها نشان دادند و چند بار قمد حمله به آنها را داشتند. مزدوران گرفتار شده اعتراف کردند که کارشانان سیا در پاکستان برای انجام هر خرابکاری در افغانستان، حق و حساب مخصوص تعیین کرده اند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود